

# تأملاتی بر حیات روح انسانی

سلسله دوره ها:

- کتاب ۱ **تأملاتی بر حیات روح انسانی**  
شامل: "فهم آثار بهائی"  
"دعا و مناجات"  
"زندگی و مرگ"
- کتاب ۲ **قیام به خدمت**  
شامل: "سرور تبلیغ"  
"مطالبی برای عمیقتر شدن در امر"  
"معرفی اعتقادات بهائی"
- کتاب ۳ **آموزش کلاس های اطفال**  
شامل: "برخی از اصول تربیت بهائی"  
"درس هایی برای کلاس های اطفال، سطح اول"  
"برگزاری کلاس های برای اطفال"
- کتاب ۴ **دو ظهور پیاپی**  
شامل: "عظمت این یوم"  
"حیات حضرت باب"  
"حیات حضرت بهاءالله"
- کتاب ۵ **آزادسازی قوای نوجوانان**
- کتاب ۶ **نشر نفحات الله**  
شامل: "طبیعت روحانی تبلیغ"  
"صفات و نگرش های مبلغ امرالله"  
"عمل تبلیغ"
- کتاب ۷ **گام برداشتن با یکدیگر در مسیر خدمت**  
شامل: "مسیر روحانی"  
"عمل کردن به عنوان راهنما برای کتب ۱ تا ۶"  
"ترویج هنر در سطح قاعده جامعه"

## فهرست مطالب

۱. درك آثار بهائی ..... 11
۲. دعا و مناجات ..... 22
۳. زندگی و مرگ ..... 32

## قسمتی از متن "خطاب به همکاران"

در هر گروه مطالعه همواره فردی با تجربه بیشتری<sup>۱</sup> وجود دارد که به عنوان راهنما فعالیت می کند. سایر حاضران در گروه حکم همراه را دارند که در مطالعات خود از کمک راهنما استفاده می نمایند. این همراه است که فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می کند و خودش مسئول یادگیری می باشد و راهنما فقط این جریان را تسهیل می نماید. در اینجا رابطه یک فرد آگاه و عده ای نا آگاه برقرار نیست. چنانچه همراهان به همدیگر کمک کنند تا از طریق بحث و گفتگو درباره عبارات و جملات خوانده شده، معنی و مفهوم کلمات و عبارات بهتر درک شود، فضای یادگیری بهتری نیز در جمع ایجاد می شود. در مراحل بعدی، هر کدام از همراهان که مشتاق و علاقمند به انجام این خدمت باشند می توانند همین کتاب را با گروه دیگری از دوستان و نزدیکانشان مطالعه کنند و این فضای یادگیری را به وجود آورند.

این انتظار وجود دارد که همراهان در این دوره مطالعاتی، به سه سطح از ادراک نائل شوند. اولین سطح، فراگیری درست معانی کلمات و جملات آثار مبارکه ای است که هسته ی مرکزی این دوره ها را تشکیل می دهد. سولاتی که بعد از هر بیان آورده شده مربوط به این سطح اول می باشد.

دومین سطح ادراک از همراهان می خواهد تا درباره کاربرد مستقیم بعضی مفاهیم موجود در بیانات مبارکه در زندگی روزمره خود ببینند. سومین سطح ادراک مستلزم این است که شرکت کنندگان درباره چگونگی بکار بردن بیانات مبارکه در موقعیت هایی که مستقیماً با مفهوم بیانات ارتباطی ندارد تفکر نمایند.

همانگونه که از پیش گفته شد، همراهان باید تشویق شوند تا از بحث های غیر ضروری پرهیز کنند و به پاسخ های مشخصی که می توان آن ها را مستقیماً از بیانات استنباط نمود، اکتفا کنند. بعضی از تمرین ها شامل سولاتی است که نمی توان به نحو سریع یا واضح به آن ها جواب داد. این پرسش ها به قصد افزایش آگاهی درباره ی موضوع مورد مطالعه طراحی شده اند و اگر شرکت کنندگان صرفاً به آن ها ببینند، هدف یادگیری متحقق خواهد شد.

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه کرد این است که هنگامی که یک مفهوم تا حدی درک شد و برخی روشن گری ها نسبت به کاربرد آن به دست آمد، گروه باید به نکته بعدی بپردازد زیرا اگر بحث و گفتگو درباره یک مطلب طولانی شود، عملاً تا حد زیادی از تأثیرگذاری و کارایی این دوره مطالعاتی کاسته می شود. مطالعه آثار مبارکه ممکن است افکار و ایده های زیادی را در ذهن ما ایجاد نماید و در میان گذاشتن این افکار با سایر دوستان و آشنایان در مکان ها و زمان های مناسب دیگر باعث ایجاد شادی و سرور فراوان است، اما باید دقت نمود که این عمل موجب اصرار در رأی نگردد. ما عمیقاً بر این باوریم که عادت به تفکر درباره اشاره های موجود در آثار، با کمترین تداخل نظرات شخصی، بخش بزرگی از اختلاف نظرهای را که در بسیاری از جوامع وجود دارد و به فرایند مشورت آسیب وارد می کند از میان می برد و فعالیت های جامعه های ما را موثرتر می سازد.

<sup>۱</sup> منظور از اینکه راهنما تجربه بیشتری دارد این است که قبلاً حد اقل یکبار خودش سلسله کتاب ها را در گروهی دیگر مطالعه نموده است.

## خطاب به همکاران

مؤسسه‌ی روحی از عبارت "همکاران" برای اشاره به همه‌ی کسانی که در هر جایی در کار مطالعه، تعلیم، یا کاربرد دوره‌های مشارکت دارند، استفاده می‌کند. تمامی چنین افرادی حقیقتاً همکار تلقی می‌شوند، چون همه‌ی آن‌ها در راستای هدف این مؤسسه، که همانا کاربرد دوره‌های روحی به عنوان ابزاری برای خدمت به امر الهی و پیشبرد رفاه عالم انسانی است، عمل می‌نمایند. در هر گروه مطالعه همواره فردی با تجربه‌ی بیشتر وجود دارد که به عنوان راهنما فعالیت می‌کند. سایر حاضران در گروه هم، حکم "همراه" را دارند که در مطالعات خود از کمک راهنما استفاده می‌نمایند. اما این نکته باید مورد توجه همه‌ی حاضران قرار گیرد که آنان در یک فرایند دو طرفه شرکت دارند؛ فرایندی که در آن هرکسی چیزی می‌آموزد یا به عبارت دیگر، مسئولیت فراگیری به عهده‌ی هر یک از شرکت‌کنندگان است. این همراه است که فعالانه در امر یادگیری مشارکت می‌نماید و راهنما فقط این فرایند را تسهیل می‌کند. در اینجا رابطه‌ی یک فرد آگاه و گروهی از افراد ناآگاه حکم فرما نیست.

معمولاً "درک آثار بهائی"، "دعا و مناجات" و "حیات و ممات" اولین واحدهائی هستند که یک گروه از همکاران برای مطالعه انتخاب می‌نمایند. امیدواریم هر راهنما این مقدمه را با دقت مطالعه نماید و اندیشه‌های مذکور در آن را با سایر همکاران نیز در میان بگذارد. کسانی که این واحدها را برای اولین بار مطالعه می‌کنند، باید در نظر داشته باشند که بعداً هم که به عنوان راهنمای همین کتاب، برای گروه‌های دیگری از مبتدیان عمل خواهند کرد، موظف خواهند بود همین مباحث را مطالعه و بررسی نمایند.

این انتظار وجود دارد که شرکت‌کنندگان در دوره‌های مطالعاتی مؤسسه‌ی روحی، به سه سطح از ادراک نائل شوند: اولین سطح، فراگیری درست معانی کلمات و جملات آثار مبارکه‌ای است که هسته‌ی مرکزی این دوره‌ها را تشکیل می‌دهد. بنا بر این برای مثال، بعد از قرائت این بیان مبارک که "اصلاح عالم از اعمال طیبیه‌ی ظاهره و اخلاق راضیه‌ی مرضیه است" از همراهان پرسیده می‌شود "اصلاح عالم چگونه ممکن است؟" در اولین نگاه چنین سؤالی ممکن است بسیار ساده به نظر برسد. اما دو نکته‌ای که عملاً آزموده شده و در ادامه خواهند آمد، نشان می‌دهد که چرا چنین روش و رویکردی ساده برای این سطح اولیه‌ی ادراک گزینش شده است. غالباً راهنما، گروه مطالعه را به گروه‌های کوچک دوفره تقسیم می‌کند و در هر گروه کوچک از یک نفر می‌خواهد بیان را با صدای بلند بخواند و از نفر دیگر می‌خواهد سؤالی مطرح نماید که پاسخ آن تمام یا جزئی از بیان باشد. کار ساختن یک سؤال بر اساس یک جمله، چندان هم که به نظر می‌رسد ساده نیست. اکثریت شرکت‌کنندگان به تمرین‌های زیادی نیاز دارند تا این مهارت ظاهراً ساده را کسب نمایند. نکته‌ی دوم مربوط به شرکت‌کنندگانی است که در بیان عقیده‌ی شخصی خود اصرار می‌ورزند و در برابر تکرار عین بیان به عنوان پاسخ به یک سؤال، سخت مقاومت می‌کنند. بدیهی است که داشتن و بیان کردن عقیده‌ی شخصی خطا نیست؛ اما درک آثار مبارکه، قبل از آنکه شخص به تصورات خود از ادانه مجال جولان دهد، مستلزم تمرکز اندیشه روی آن چیزی است که خوانده می‌شود.

در اینجا مهم است توجه شود که وصول به مرحله اول ادراک مستلزم بحث و گفتگوی مفصل روی معانی تک تک لغات، خارج از زمینه‌ی مطالب مورد مطالعه نیست. در واقع اغلب راهنماها متوجه شده‌اند که کاربرد یک فرهنگ لغت برای کمک به شرکت‌کنندگان برای فهمیدن معانی واژه‌های مشکل، عملاً در فرایند یادگیری ایجاد خلل می‌کند. بسیار مفید تر به

نظر می‌رسد که به آنان کمک شود تا فرا بگیرند خودشان از طریق بحث و گفتگو درباره‌ی کل عبارات و متون مورد مطالعه، معانی کلمات را استنتاج و استنباط کنند.

دومین سطح ادراک مربوط و متوجه است به کاربرد بعضی مفاهیم موجود در بیانات مبارکه در زندگی روزمره. برای مثال، تمرین شماره شش از اولین بخش واحد "درک آثار مبارکه" که از شرکت کنندگان می‌خواهد نوع پسندیده‌ی رفتار را مشخص نمایند، به آسانی قابل پاسخ‌گویی است؛ اما در عین حال از گروه می‌خواهد درباره‌ی بعضی کاربردهای ملموس بیان مورد مطالعه در این درس، ببینند. اما برای همه‌ی تمرین‌های ترتیب یافته برای این سطح از ادراک نمی‌توان جواب‌هایی آسان و آشکار تعیین کرد. به عنوان مثال، برای تعیین اینکه آیا گزینه‌ی "افراد خوب بسیار کمی در جهان وجود دارند که اعمالشان هیچ‌گونه تأثیری ندارد" درست است یا نه، همراهان باید مشخص نمایند چگونه این قضیه بامضمون بیانی که از حضرت بهاء‌الله مطالعه کرده‌اند، تناقض دارد.

سومین سطح ادراک مستلزم این است که شرکت کنندگان درباره‌ی اشارات کاربردی بیانات در موقعیت‌هایی که ارتباطی مستقیم و معین با ترجمه مبارک ندارند، تفکر نمایند. برای مثال این سؤال که آیا انسان می‌تواند نزد دیگران به گناهان خود اعتراف کند، به منع چنین اعترافی به عنوان وسیله‌ای برای بخشش گناهان اشاره دارد؛ اقدامی که در مذهب کاتولیک عمیقاً ریشه یافته است. راهنما باید، هنگامی که گروه درباره‌ی مفاهیم آیه‌ی مبارکه‌ی "حاسب نفسک فی کل یوم من قبل ان تحاسب" گفتگویی کند، این منع و نهی را بیان و بارز نماید.

تجربه‌ی سال‌های متمادی مطالعه‌ی دوره‌های مؤسسه‌ی روحی، نشان داده است که ارزیابی اندیشه‌ها در این سطوح سه‌گانه، به همراهان کمک می‌کند مبنائی آگاهانه برای یک زندگی سرشار از خدمت به امر الهی ایجاد نمایند. در این رهگذر، آنچه ممکن است فرد ناآشنا با این تجربه را متحیر سازد این است که تلاش برای مشاورات طولانی بر روی ایده‌هایی و رای این سطوح سه‌گانه، از طریق ارائه‌ی مفاهیم متعددی که با هم در ارتباط است، عملاً تا حد زیادی از تأثیرگذاری دوره‌ی مطالعه می‌کاهد. این مسئله تا حدودی به این دلیل است که هر دوره‌ای باید یک ریتم و روند مشخص برای پیشرفت کار خود در نظر گیرد، به گونه‌ای که همراهان از حسّی مشخص نسبت به پیشرفت سریع، مطابق ظرفیت و استعداد خود، برخوردار گردند. البته این بدان معنی نیست که به طور سریع و سطحی و بدون تجزیه و تحلیل تمرین‌ها، باید از روی دروس عبور نمود. گروه‌هایی که از چنین رویکردی سطحی پیروی نموده‌اند و فقط به پرکردن جاهای خالی تمرین‌ها اکتفا کرده‌اند، هرگز بیش از چند جلسه دوام نیاورده‌اند. موضوعی که باید به خاطر داشت این است که هنگامی که یک مفهوم درک شد و برخی روشنگری‌ها نسبت به کاربرد آن به دست آمد، گروه باید به نکته‌ی بعدی درس بپردازد. دلیل دیگر برای مراقبت و کنترل نمودن گفتگوهای طولانی، مربوط است به عادت به لفاظی و شکاکیتی که متأسفانه بعضی اوقات در برخی از جوامع ما شکل می‌گیرد. طبیعی است که یک آیه از آثار الهیه، ممکن است صدها ایده‌ی عالی و زیبا را به ذهن خطور دهد. در میان گذاشتن این ایده‌ها با سایر دوستان در مکان‌ها و زمان‌های مناسب باعث ایجاد شادی و سرور فراوان است. اما دقت زیادی نیاز است که این عمل به وسیله‌ای برای بیان امور نفسانی و اصرار در ارجحیت عقاید شخصی تبدیل نشود. تجربه‌ی مؤسسه‌ی روحی نشان داده است وقتی از طرح پرسش‌هایی مانند "شما چه برداشتی از این موضوع دارید؟"، خودداری کنیم؛ تصورات و شخصیت شرکت کنندگان را در هم نکوبیده ایم بلکه برعکس، به این صورت، به رشد و نمو جامعه‌ی هائی کمک می‌کنیم که هر هنگام با مسئله‌ای مواجه شوند، بدایتاً به عنوان تکیه‌گاه اساسی مشورت، به آثار الهی مراجعه می‌نمایند. ما بر این باوریم که عادت به تفکر

درباره ی اشاره های موجود در آثار، باحداقل تداخل نظریات شخصی، بخش بزرگی از اختلاف نظرهایی را که در بسیاری از جوامع، به فرایند مشورت و تبادل آراء آسیب وارد می کند، از میان می برد و فعالیت های جامعه های ما را مؤثرتر می نماید.

برای آمادگی به جهت آموزش واحدهای سه گانه ی این کتاب، راهنما باید هر بخش را با دقت بررسی نماید، تمرین ها را با سه سطح ادراکی که ذکر شد، سازگار سازد و در صورت لزوم، به فکر تمرین های بیشتری باشد که فرایند تبادل نظر درباره ی هر مفهوم را، تحریک و تقویت نماید.

مقصد اولین واحد این کتاب، تحت عنوان "درک آثار بهائی"، این است که بدایتاً با آغاز از یک بیان تک جمله ای، عادت به قرائت آثار و تفکر درباره ی آن ها را در شرکت کنندگان ایجاد نماید. تلاوت آیات و آثار الهی، هر روز حداقل در صبح و شام، یکی از احکام بسیار مهم دیانت ما است. اما تلاوت آیات همانند خواندن هزاران صفحه مطالبی نیست که یک شخص با سواد در طول زندگیش مشاهده می نماید. قرائت کلام الهی همچون نوشیدن از سرچشمه ی ظهور الهی است که به ادراک روحانی منتهی شده، قوای راکه به جهت ترقی روح انسان مورد نیاز است، فراهم می سازد. اما برای وصول به درکی صحیح و حقیقی، انسان باید درباره ی معانی هر بیان و کاربردهای آن در حیات روزمره ی خود و نیز جامعه، عمیقاً تفکر کند.

"دعا و مناجات" دومین واحد گنجانیده شده در این کتاب است. برای آماده شدن جهت آموزش این واحد، راهنما باید در اهداف اساسی سه گانه ی آن اندیشه نماید. اولین هدف، روشن نمودن مفهوم خود دعا است و نیز کمک کردن به شرکت کنندگان که از اهمیت عظیم آن به عنوان یکی از احکام این دور مبارک آگاهی یابند. برای وصول به این هدف، بعضاً لازم است شک و تردیدها زدوده شود و با دقت، افکاری که ممکن است ریشه در تفاسیر غلط گذشته داشته باشد، روشن گردد. بالاتر از همه، این هدف، به درک روشنی از ضرورت رعایت این حکم نیز دلالت دارد؛ نیازی که اهمیتمش کمتر از تغذیه روزمره ی جسمان نیست.

در ورای ملاحظه ی این حکم، هر شخص باید در خود تمایلی عمیق برای دعا و نیایش احساس نماید. بنابراین هدف دوم این واحد بیدار کردن نیاز "گفتگو با خداوند" در شرکت کنندگان است و اینکه سرور و نشاط نزدیکی به او را احساس نمایند. علاوه بر این، از سال های اولیه ی زندگی، هر شخصی باید عادت های روحانی را پرورش دهد که عادت به دعا و مناجات روزانه یکی از مهمترین آن ها است.

هدف سوم این واحد، مربوط به حالت هائی می شود که بر اساس آن ها دعا و نیایش باید به مرحله ی اجرا درآید. متأسفانه عالم انسانی به طور پیوسته درک و دانش خود را از اینکه دعا و نیایش چگونه باید انجام شود، از دست می دهد و آداب و رسومی پوچ و بی معنی را جایگزین رفع نیازهای مربوط به شرایط درونی و روحانی خود می سازد. بنابراین، گروه مطالعه باید مقدار زیادی از وقت خود را بر روی بخش هائی از این واحد صرف نماید که درباره ی خصوصیات قلب و ذهن است و به فرد کمک می نماید تا به حالت دعا دست یابد و همچنین درباره ی شرایط محیطی است که باید در اطراف هر فرد در هنگام خواندن دعا ایجاد شود.

سومین واحد این کتاب، تحت عنوان "حیات و ممات"، چالشی مخصوص است برای همراهان مؤسسه ی روحی، هنگامی که آن را برای اولین مرتبه مطالعه می کنند و نیز بعداً در وقتی که به عنوان راهنما به تعلیم محتوای آن به دیگر همراهان می پردازند. موضوع حیات و ممات به این دلیل در کتاب اول برنامه ی مؤسسه گنجانیده شده است زیرا که این طور به نظر می رسد که مطالبش برای درک شرکت کنندگان از مسیر خدمتی که در آینده پیش خواهند گرفت بسیار ضروری و حیاتی است. مفهوم خدمت در این عالم باید در بستر کامل زندگی درک شود زیرا که این مفهوم به ورای زندگی ما در این کره خاکی گسترش می یابد و برای همیشه به موازات ترقی روحمان در عوالم الهی، ادامه خواهد یافت. بسیار ضروری است که شرکت کنندگان در یک فرایندی از پرورش، که با آموزش برای کارهایی مخصوص فرق دارد، بطور فزاینده ای از اهمیت و معنای آنچه که انجام می دهند، آگاه گردند. همچنانکه این آگاهی نمودار می شود، همراهان خود را به عنوان "صاحبان فعال" و مسئول یادگیری شان خواهند دید و نه به عنوان گیرندگان غیر فعال اطلاعات ارائه شده به آنان توسط معلمان شان.

هر بخش از این واحد با یک جمله ی موضوعی یا یک فقره از آثار بهائی آغاز می شود و با یک سری از تمرین هائی ادامه می یابد که طراحی شده است تا شرکت کنندگان را در درک زبان و مفاهیم بیان کمک نماید. بر خلاف دو واحد دیگر کتاب که دارای تمرین هائی بود که به شرکت کنندگان کمک می کرد درباره ی کاربرد مفاهیم در زندگی خودشان و نیز در جامعه شان فکر نمایند، در این واحد، به علت سرشت مجرد مسائل، همه ی تمرین ها در سطح معنایی عمل می نمایند. فقط در بخش پایانی، از شرکت کنندگان خواسته می شود درباره ی تأثیرات این دوره ی مطالعاتی در زندگی هایشان تفکر و تأمل کنند.

همانگونه که از پیش گفته شد، شرکت کنندگان در دوره های مؤسسه ی روحی باید تشویق شوند از بحث و دقت نظرهای غیر ضروری پرهیز کنند و به پاسخ هائی مشخص که می توان آن ها را مستقیماً از بیانات مبارکه استنتاج نمود، اکتفا کنند. بعضی از تمرین ها شامل سؤالاتی هستند که نمی توان به نحو سریع یا واضح به آن ها جواب داد. این پرسش ها به قصد افزایش آگاهی درباره ی موضوع مورد مطالعه طراحی شده اند و اگر شرکت کنندگان صرفاً به آن ها بپردازند، هدف یادگیری متحقق خواهد شد.

یادآوری این نکته نیز لازم است که زبان بیانات مبارکه ای که در این واحد (حیات و ممات) آمده است مشکل تر از دو واحد دیگر است. راهنما باید خیلی مراقب باشد بیش از حد بر روی لغت های مشکل توقف ننماید؛ بلکه باید مطمئن شود که شرکت کنندگان، مفهوم اصلی و مرکزی هر بیان را، که دقیقاً همان چیزی است که تمرین ها نشان میدهد، درک می کنند.

برای حصول نتایج مفیده از مطالعه ی این واحد، مهم است که از عرضه ی ایده های زیاد، در يك جلسه، خودداری شود. وراى همه ی آنچه گفته شد، بسیار مهم است که مفاهیم و مواضع این واحد به ترتیب زیر عرضه گردد:

۱. زندگی چگونه آغاز می شود و مرگ چه پدیده ای است.

• روح، حقیقتی روحانی و مخلوق خداوند است.

• روح و جسم، باهم، شکل دهنده ی وجود انسانند.



- مرگ صرفاً یک تغییر حالت است؛ بعد از آن، روح به ترقی ابدی خود ادامه می دهد.

## ۲. مقصد حیات ما چیست.

- مقصد حیات شناخت خداوند و حضور در محضر او است.
- کسی که به شناخت مظهر الهی فائز شود به خداوند نزدیک می گردد و کسی که او را رد نماید خود را به حیاتی دور از خداوند، محکوم می نماید.
- درست همانگونه که انسان در رحم مادر قوای مورد نیاز خود در این عالم را کسب می کند، ما نیز در این عالم، قوای مورد نیاز در عالم بعد را به دست می آوریم.

## ۳. سرشت روح

- روح نشانه ای از وجود خداوند است.
- روحی که مؤمن به خدا باشد، انوار او را منعکس می سازد و به سوی او کشیده می شود.
- تعلقات دنیوی و هواهای نفسانی مانع پرواز روح به سوی خداوند می شوند و عاقبت آن را ضعیف و ناتوان می سازند.
- خداوند این استعداد را به انسان عنایت فرموده که تمامی اسماء و صفاتش را منعکس نماید.

## ۴. روح به خودی خود ترقی نمی کند؛ در این کار به مظهر الهی محتاج است.

- استعدادها و قابلیت های انسان، پوشیده و پنهان هستند و فقط به کمک مظهر الهی شکوفا می شوند.
- عرفان مظهر الهی مثل عرفان خداوند است.
- بواسطه ی تربیت روحانی، گنجینه های پنهان در وجود ما ظاهر و بارز می گردند.

## ۵. وضعیت روح بعد از مرگ

- روح مؤمن به مقامی بلند و سعادت ابدی فائز خواهد گشت، اما روح غیر مؤمن از فقر و درماندگی خود آگاه خواهد شد و در ندامت و پشیمانی باقی خواهد ماند.
- هیچ کس از عاقبت حال خود آگاه نیست؛ بنابراین باید چشم بر خطاهای دیگران بر بندیم و خود را برتر از آنان نپنداریم.
- در حیات بعد، ارواح مقدسه از تمام اسرار آگاه خواهند شد و چشمشان به جمال الهی روشن خواهد گشت.

## ۶. حالت پسندیده نسبت به شرایط فعلی زندگیمان

- در این عالم هیچ چیز نباید ما را اندوهگین سازد، زیرا ایامی پر از سعادت و سرور در انتظارمان است.



## درک آثار بهائی

هدف:

پرورش قابلیت برای خواندن آثار بهائی و تفکر در معانی آن ها، به قصد اجرای حکم مطالعه ی آثار در هر روز.

تمرین:

هر روز در صبح و شام، بعضی آثار و نوشته های امری را بخوانید.

## بخش اول

در این واحد شما بیانات کوتاهی از آثار بهائی را خواهید خواند و درباره اینکه چگونه می توانید آنها را در زندگیتان به کار برید تفکر خواهید نمود. در ساده ترین سطح، شما کارتان را با خواندن یک جمله از آثار مبارکه آغاز می کنید و سپس به سوالی که بعد از آن آمده است پاسخ می دهید، پاسخی که عین خود بیان است. برای رسیدن به هدف این تمرین بهتر است که بیان را با کمک یکی دیگر از شرکت کنندگان در این دوره مطالعه نمایید. در این صورت یکی از شما سوال را مطرح خواهد کرد و نفر دیگر به آن پاسخ می دهد. سپس نقش خود را عوض می کنید. اگر چه ممکن است شما در آینده این نوع تمرین را در ارتباط با بعضی از بیانات انجام دهید اما چیزی نیست که آن را در طول دوره های مؤسسه روحی تکرار کنید. این تمرین به شما کمک می کند تا بر معنا و مفهوم بیانات مبارکه تأمل و تفکر نمایید و بتوانید آنها را از حفظ کنید.

**" اصلاح عالم با اعمال پاک و اخلاق پسندیده انجام می شود "**<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. اصلاح عالم چگونه انجام می شود؟

**" ای اهل بهاء، در راه کسانی که اعمالشان با گفتارشان فرق دارد، گام نگذارید "**<sup>۲</sup> (ترجمه)

۲. ما، در راه چه کسانی نباید گام بگذاریم؟

**" ای پسر وجود، قبل از آن که به حساب تو رسیدگی شود، در هر روز خودت را محاسبه کن. "**<sup>۳</sup> (ترجمه)

۳. پیش از آنکه به حسابمان رسیدگی شود، چه باید بکنیم؟

**" ای برادران، به اعمال، خود را آراسته نمایید نه به گفتار "**<sup>۴</sup> (ترجمه)

۴. زینت حقیقی ما باید چه چیزی باشد؟

**" کلمه ی پاک و اعمال مقدس، به آسمان بزرگواری خداوند بالا خواهد رفت. "**<sup>۵</sup> (ترجمه)

۵. گفتار پاک و اعمال مقدس به کجا خواهد رفت؟

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارک: " اصلاح عالم از اعمال طیبیه ظاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده "

<sup>۲</sup> اصل بیان مبارک: " ای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است سالک نشوید "

<sup>۳</sup> اصل بیان مبارک: " یا ابن الوجود، حاسب نفسك فی كل یوم من قبل ان تحاسب "

<sup>۴</sup> اصل بیان مبارک: " ای برادران، به اعمال، خود را بیارند نه به اقوال "

<sup>۵</sup> اصل بیان مبارک: " کلمه طیبیه و اعمال ظاهره مقدسه به سماء عز اجدیه صعود نماید "

## بخش دوم

در ادامه تمریناتی آمده است مربوط به بیاناتی که شما هم اکنون مطالعه نموده اید. بعضی از این تمرینات ساده هستند و نیازی نیست وقت زیادی برای مشورت درباره آنها صرف کنید. وقتی که تمرین چالش برانگیز است، شما باید کمی صبر کنید و به کمک راهنمایان آن را بررسی نمایید.

۱. پسندیده یعنی چیزی که قابل ستایش باشد. کدام یک از اعمال زیر پسندیده است؟

- کارگر خوبی بودن
- به دیگران احترام گذاشتن
- اهل مطالعه بودن
- دروغ گفتن
- تنبل بودن
- به پیشرفت دیگران کمک کردن

۲. عبارت " قبل از آنکه به حساب تو رسیدگی شود" به چه معنی است؟

۳. تعیین کنید عبارات زیر درست هستند یا غلط:

- انسان های خوب بسیار کمی در جهان وجود دارد که اعمالشان هیچ تاثیری ندارد. درست غلط
- یک چیز وقتی درست است که با عقاید مردم دیگر سازگار باشد. درست غلط
- یک چیز وقتی صحیح است که با تعالیم الهی سازگار باشد. درست غلط

۴. آیا موارد زیر اعمال پاک و پسندیده هستند:

- تبلیغ امر الهی درست غلط
- دزدی کردن درست غلط
- مراقبت از بچه ها و آموزش آن ها درست غلط
- دعا برای پیشرفت دیگران درست غلط
- گفتن دروغ کوچک برای رهائی از دردرس درست غلط
- به دیگران کمک کردن و منتظر پاداش بودن درست غلط

۵. آیا اعمال زیر با گفتار یک فرد بهائی سازگار است:

- یک نوشیدنی الکلی مصرف کردن درست غلط
- مهربان بودن درست غلط
- با همه به طور یکسان رفتار کردن درست غلط
- داشتن روابط جنسی خارج از محدوده ی ازدواج درست غلط

۶. به پرسش های زیر پاسخ دهید:

• آیا یک فرد بهائی اجازه دارد نزد دیگران اعتراف به گناه نماید؟

.....

• به جای اعتراف نزد دیگران، چه باید بکنیم؟

.....

• "آسمان بزرگواری خداوند" به چه معنی است؟

.....

• اعمال بد چه تأثیری بر جهان دارد؟

.....

• اعمال بد چه تأثیری بر کسانی که آن ها را انجام می دهند، دارد؟

.....

## بخش سوم

در این قسمت دوباره از شما خواسته می شود تا بیاناتی از آثار مبارکه را مطالعه کنید. توجه نمائید که برای بعضی بیانات می توان بیش از یک سوال مطرح نمود. اما نباید در این کار زیاده روی کرد. فکر خود را به این مشغول نکنید که هر گونه سوالی را مطرح نمائید.

**"صداقت و راستی پایه و اساس تمام صفت های نیک انسانی است."**<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. پایه و اساس تمام فضیلت های انسانی چیست؟

**"بدون صداقت و راستی، ترقی و پیشرفت در همه ی جهان های خداوند غیر ممکن است."**<sup>۲</sup> (ترجمه)

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارک : " صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است "

<sup>۲</sup> اصل بیان مبارک : " اگر نفسی از آن ( صدق و راستی ) محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد "

۲. بدون صداقت و راستی چه چیزی غیر ممکن است؟.....

" ای مردم، زبان خود را با راستگویی زیبا کنید و وجود خود را با امانت زینت بخشید. " <sup>۱</sup> (ترجمه)

۳. با چه چیزی باید زبان خود را زیبا کنیم؟.....

۴. با چه چیزی باید وجود خود را زینت بخشیم؟.....

" درنگاه پرهیزگار باشید؛ در دست امین؛ در زبان راستگو و در قلب به یاد خداوند. " <sup>۲</sup> (ترجمه)

۵. چشم ما باید چگونه باشد؟..... دستمان چطور؟..... زبانمان چگونه؟..... قلبمان چطور؟.....

" کسانی که در خیمه ی خداوند داخل شده اند و بر جایگاه بزرگواری ابدی تکیه زده اند، حتی اگر از گرسنگی در حال مرگ باشند؛ دستشان را برای گرفتن غیر قانونی مال همسایه دراز نخواهند کرد؛ هر چقدر که می خواهد این همسایه شریر و حقیر باشد. " (ترجمه)

۶. بهائیان حتی اگر از گرسنگی در حال مرگ باشند از چه چیزی خود داری خواهند کرد؟.....

## بخش چهارم

همان طور که در قسمت ۲ مطالعه نمودید بعضی سوالات پاسخی دقیق و واضح دارد، با وجود این اگر شک و تردیدی درباره پاسخ باقی بماند، راهنمای جمع می تواند به شما کمک کند تا به نتیجه دلخواه تان برسید. اما برای بعضی سوالات دیگر چیزی که مهم است بحث و گفتگو می باشد و راهنما ممکن است جواب های مختلف شرکت کنندگان را قبول نماید. در سوالاتی که در ادامه آمده است، سوال ۴ اگر چه کمی پیچیده است اما از نوع اول است، و سوال ۶ از نوع دوم می باشد.

۱. صداقت و راستی، پایه و اساس تمام صفت های نیک است. پنج مورد از این صفت های نیک را نام ببرید.

۲. آیا می توانیم بدون صداقت و راستی، این صفت های نیک را به دست آوریم؟.....

۳. تعیین کنید آیا جمله های زیر درست هستند یا غلط:

• یک شخص می تواند عادل باشد حتی اگر دروغ بگوید. درست غلط

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارک : " قُلْ يَا قَوْمِ، زِينُوا لِسَانَكُمْ بِالصِّدْقِ وَ نَفْسَكُمْ بِالْأَمَانَةِ "

<sup>۲</sup> اصل بیان مبارک : " كُونُوا فِي الظَّرْفِ عَفِيفًا وَ فِي اليَدِ أَمِينًا وَ فِي اللِّسَانِ صَادِقًا وَ فِي القَلْبِ مَتَذَكِّرًا "

- کسی که دزدی می کند، دستی امین دارد. درست غلط
- یک دست امین هرگز چیزی را که به او تعلق ندارد لمس نمی کند. درست غلط
- خواندن کتاب ها و مجله های سکسی با نصیحت حضرت بهاء الله در مورد داشتن چشم پاک سازگاری ندارد. درست غلط
- صداقت به معنی دروغ نگفتن است. درست غلط
- امانت زینت انسان است. درست غلط
- شخصی که راستگو نیست، می تواند از لحاظ روحانی ترقی کند. درست غلط
- عیبی ندارد گهگاهی دروغ بگوئیم. درست غلط
- اگر شخصی گرسنه باشد، دزدی کردن در نزد خداوند قابل قبول است. درست غلط
- برداشتن چیزی بدون اجازه ی صاحبش، با این فکر که بعدا آن را به او پس خواهیم داد؛ دزدی نیست. درست غلط
- اگر یکی از دوستان درختی پراز میوه داشته باشد چیدن مقداری از آن ها بدون اجازه ی او، مانعی ندارد. درست غلط
- وقتی که صادقانه عمل کنیم و با انصاف و امین باشیم قلبمان نورانی می گردد. درست غلط

۴. آیا ممکن است کسی به خودش دروغ بگوید؟.....
۵. وقتی دروغ می گوئیم چه چیزی را از دست می دهیم؟.....
۶. اگر همه ی ما راستگو و امین بودیم دنیا چگونه می شد؟.....

## بخش پنجم

بیانات زیر را بخوانید و سعی کنید آنها را با قلبتان یاد بگیرید. از حفظ نمودن بیانات مبارکه ثمرات عالییه ای دارد، و شما باید نهایت سعی خود را بنمائید تا این کار را انجام دهید. اما بعضی افراد هستند که به دلایل مختلفی برایشان غیر ممکن است که چیزی را از حفظ کنند. اگر شما هم چنین مشکلی دارید سعی کنید که بیانات را به خوبی یاد بگیرید تا بتوانید مفاهیم آنها را با کلماتی مشابه با کلماتی که در خود بیان است بازگو کنید.

**"زبان ملایم و مهربان، جذب کننده ی قلب ها است؛ غذای روح است؛ معنی بخشنده به کلمات است؛ سرچشمه ی نور خرد و دانائی است."**<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. زبان ملایم و مهربان را چگونه می توان توصیف کرد؟.....

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارك : " لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و به مثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانایی "



۲. زبان ملایم و مهربان چه تاثیری بر کلمات دارد؟ .....

" ای دوستان خداوند، در این دور مقدس، جنگ و جدال به هیچ وجه مجاز نیست. هر کسی از این حکم تجاوز کند از فیض الهی محروم خواهد بود." <sup>۱</sup> (ترجمه)

۳. مطابق مفهوم این بیان، در این دور مقدس چه چیزی مجاز نیست؟ .....

۴. کسی که از دستور بالا تجاوز کند، چه وضعیتی خواهد داشت؟ .....

" در این یوم، هیچ چیز نمی تواند به اندازه ی فساد و نزاع و جدال و تیرگی و سردی در میان دوستان، به این دیانت ضرر بزند." <sup>۲</sup> (ترجمه)

۵. چه چیزی بیشترین صدمه و زیان را به امر الهی وارد می نماید؟ .....

" به این قانع نشوید که فقط با کلمات، محبتتان را نشان دهید؛ بگذارید قلبتان به محبت هر کسی که از کنارتان می گذرد، شعله ور باشد." (ترجمه)

۶. به چه نوع دوستی نباید قانع شویم؟ .....

۷. قلبمان به چه چیزی باید شعله ور باشد؟ .....

" وقتی اندیشه ی جنگ و جدال پیش می آید، آن را با اندیشه ی قوی تر صلح و دوستی مقابله کنید. فکر نفرت را باید با فکر نیرومند تر محبت نابود نمایند." (ترجمه)

۸. با چه چیزی باید با اندیشه ی جنگ مقابله نمود؟ .....

۹. با چه چیزی باید فکر نفرت را نابود کرد؟ .....

## بخش ششم

تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. یک زبان ملایم و مهربان (لسان شفقت) چگونه مثل یک آهن ربا عمل مینماید؟ .....

۲. مشخص کنید آیا عبارت های زیر از یک زبان ملایم و مهربان جاری می شود:

بله      خیر

• " مزاحم من نشو"

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارک: " ای احبای الهی، در این دور مقدس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدی محروم "

<sup>۲</sup> اصل بیان مبارک: " هیچ ضری از برای این امر، الیوم، اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و بُرودت مابین احباب نبوده و نیست "

- " چرا نمی فهمی؟" بله خیر
- " ممکن است لطفا کمی صبر کنید؟" بله خیر
- " چه بچه های بدی!" بله خیر
- " متشکرم، خیلی محبت دارید." بله خیر
- " حالا وقت ندارم؛ گرفتارم " بله خیر

### ۳. تعیین کنید آیا موقعیت های زیر نشان دهنده ی جنگ و جدال هستند یا خیر:

- دونفر در یک جلسه ی مشورتی نظریات متفاوتی بیان می کنند. بله خیر
- شخصی به جلسه ای نمی رود چون با صاحب خانه قهر است. بله خیر
- کسانی که در یک موسسه کار می کنند مرتب شکایت می نمایند که دیگران وظائفشان را انجام نمی دهند. بله خیر
- دو نفر مبلغ نمی توانند با هم به توافق برسند که برای سفر تبلیغی به کجا بروند. بله خیر

### ۴. تعیین کنید آیا جملات زیر نشان دهنده ی تیرگی و سردی است یا خیر:

- یکی از دوستان به یک جمع وارد می شود ولی هیچ کسی با او گرم نمی گیرد. بله خیر
- در یک حلقه مطالعه همراهان، خود را به گروه های کوچک تقسیم می کنند و هرگروهی به خودش مشغول می شود. بله خیر
- در یک موسسه آموزشی ، در وقت مطالعه، همه در سکوت به خواندن کتاب مشغولند. بله خیر
- دو نفر مبلغ، گرچه با هم دعوا نمی کنند؛ ولی حاضر نیستند با هم به سفر تبلیغی بروند. بله خیر

### ۵. تعیین کنید این عبارات درست هستند یا غلط:

- هر کسی باید هرچیزی را که در باره ی دیگران فکر می کند، دقیقاً بیان نماید؛ حتی اگر سبب رنجش قلبشان شود. درست غلط
- برای جلوگیری از نزاع و درگیری، اشکالی ندارد اگر دروغ گفته شود. درست غلط
- با محبت و مهربانی می توان بر نزاع و درگیری غلبه یافت. درست غلط
- کلمات، وقتی با محبت گفته شوند تاثیر بیشتری دارند. درست غلط
- اگر کسی به خطا با ما درگیر شود، درست است که با او زد و خورد کنیم. درست غلط
- وقتی کسی مریض یا غمگین است، حق دارد با دیگران با تندی رفتار کند. درست غلط

- این مهربانی نیست که وقتی دیگران کار اشتباهی انجام می دهند، به آن ها بخندیم. درست غلط
- ذکر عیب های دیگران در حضور خودشان، اشکالی ندارد؛ چون این کار غیبت نیست. درست غلط
- وقتی بین دو دوست دلخوری پیش می آید؛ هر کدام باید تلاش مخصوص نماید تا به دیگری نزدیک شود. درست غلط
- وقتی بین دو دوست دلخوری پیش می آید؛ هر کدام باید صبر کند تا فرد دیگر به او نزدیک شود. درست غلط

## بخش هفتم

بیانات زیر را بخوانید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید.

" غیبت، سراج مُنیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند. "

" تا وقتی خودت خطا کاری، از عیب های دیگران دم مزن. " <sup>۱</sup> (ترجمه)

" بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید. "

" ای پسر وجود، چگونه می توانی عیب های خودت را فراموش کنی و به عیب های دیگران مشغول شوی؟ لعنت من بر کسی باد که چنین کند. " <sup>۲</sup> (ترجمه)

۱. غیبت کردن چه تاثیری بر خود غیبت کننده دارد؟.....

۲. قبل از اینکه به خطاهای دیگران فکر کنیم، از چه چیزی باید آگاهی داشته باشیم؟.....

۳. اگر عیب های دیگران را بزرگ کنیم، چه وضعیتی برای خودمان پیش خواهد آمد؟.....

۴. وقتی به عیب های مردم دیگر می اندیشیم، چه چیزی را باید به خاطر بیاوریم؟.....

## بخش هشتم

تمرینات زیر را انجام دهید:

۱. کسی که بر عیب های دیگران متمرکز می شود، چه وضعیتی برای ترقی روحش پیش خواهد آمد؟.....

<sup>۱</sup> اصل بیان مبارک : " لا تَنْقَسْ بِخَطَاةِ أَحَدٍ مَا دُمْتَ خَاطِئاً "

<sup>۲</sup> اصل بیان مبارک : " يَا ابْنَ الْوُجُودِ، كَيْفَ نَسِيتَ عِيُوبَ نَفْسِكَ وَ اسْتَعْلَمْتَ بِعِيُوبِ عِبَادِي مَنْ كَانَ عَلَى ذَالِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ مِنِّي "

۲. غیبت چه تاثیری بر جامعه می گذارد؟.....

۳. وقتی دوستی شروع به حرف زدن در باره ی عیب های فرد دیگری می کند، شما چه می کنید؟

۴. تعیین کنید جملات زیر درست هستند یا غلط:

- اگر در باره ی عیب های واقعی کسی حرف بزنیم، غیبت نکرده ایم. درست غلط
- اگر همزمان، هم در باره ی صفات خوب و هم در باره ی عیب های شخصی صحبت کنیم، غیبت نکرده ایم. درست غلط
- در جامعه ی ما غیبت کردن یک عادت شده است و باید با پرورش يك انضباط درونی از آن دوری کنیم. درست غلط
- اگر شنونده قول دهد آنچه را در باره ی شخصی دیگر می گوئیم در جایی نگوید؛ غیبت کردن ضرری ندارد. درست غلط
- غیبت یکی از بزرگ ترین دشمنان وحدت است. درست غلط
- اگر دچار این عادت شویم که همیشه در باره ی دیگران حرف بزنیم، در خطر سقوط در غیبت کردن قرار می گیریم. درست غلط
- وقتی در یک جلسه ی محفل روحانی برای دادن مسئولیت هائی به افراد مختلف، در باره ی توانائی های آن ها بحث می شود، این هم نوعی غیبت است. درست غلط
- وقتی میلی درونی، ما را وادار به غیبت می کند، باید به عیب های خودمان فکر کنیم. درست غلط
- وقتی می دانیم شخصی دارد کاری می کند که به امر الهی یا جامعه ی بهائی ضرر می زند باید این موضوع را با سایر بهائیان در میان بگذاریم. درست غلط
- وقتی می بینیم شخصی دارد کاری می کند که به امر الهی یا جامعه ی بهائی صدمه می زند، فقط باید محفل روحانی محلی را مطلع سازیم. درست غلط
- برای زن وشوهرها مانعی ندارد در باره ی عیب های دیگران گفتگو کنند؛ چون آن ها نباید چیزی را از هم پنهان نمایند. درست غلط

دوره ای را که هم اکنون به پایان رساندید، هدف بسیار مخصوصی دارد. حضرت بهاءالله تعلیم می دهند که هر شخصی باید هر صبح و شب قسمتی از آثار مقدسه را بخواند. درطول این دوره، تا کنون، شما شروع کرده اید که این عادت را درخود ایجاد نمائید. اکنون شاید علاقه مند هستید کتابی را از آثار حضرت بهاءالله به دست آورید و هر روز قسمتی از آن را بخوانید. کتاب «کلمات مکتوبه» که یکی از آثار آن حضرت است، می تواند اولین انتخاب مناسب برای شما باشد.

# دعا و مناجات

هدف:

۱. درک اهمیت دعا و مناجات روزانه و ایجاد شرایط و احوال دعا خواندن

۲. حفظ پنج مناجات و فهمیدن معنی آن ها

تمرین:

ملاقات حد اقل دو نفر دیگر از دوستان و مطالعه ی یک مناجات با آن ها

## بخش اول

حضرت عبدالبهاء می فرمایند دعا " گفتگو با خداوند است." گفتگو به معنای حرف زدن با کسی است؛ بنابراین وقتی دعا می خوانیم در واقع داریم با خداوند حرف می زنیم.

اگر کسی به راستی شخص دیگری را دوست داشته باشد؛ تمام آرزویش این است که در جوار محبوبش باشد و با او گفتگو کند. دعای ما باید گفتگویی عاشقانه با خالقمان؛ یعنی خداوند یگانه باشد. هنگام دعا خواندن، ما که ضعیف و ناتوان هستیم می توانیم به درگاه خداوند تضرع و زاری کنیم و از او مدد و یاری بطلبیم. همواره باید به خاطر داشته باشیم که دعا و مناجات در خالص ترین حالتش، به ما کمک می کند به خداوند نزدیک تر شویم و احساس حضور او را بنماییم.

آیا می توانید با چند بار خواندن این دو پاراگراف، به پرسش های زیر پاسخ دهید؟

۱. دعا و مناجات چیست؟.....
۲. پرشورترین میل کسی که فرد دیگری را دوست دارد چیست؟.....
۳. گفتگوی ما با خداوند باید چگونه باشد؟.....
۴. کلمات « تضرع » و « زاری » به چه معنی است؟.....
۵. آیا مقصد از دعا فقط خواستن چیز هائی است که نیاز داریم؟.....
۶. مهمترین تاثیرات دعا و مناجات چیست؟.....
۷. حضرت عبدالبهاء چه کسی است؟.....

## بخش دوم

حضرت محمد فرموده اند دعا و مناجات مانند نردبانی است بین آسمان و زمین که ما می توانیم با آن، به بهشت برین صعود نماییم.<sup>۱</sup>

در نماز بزرگ، حضرت بهاء الله می فرماید: " ... نماز مرا آتشی قرار ده تا پرده هائی را که مرا از دیدار جمالت باز می دارد؛ بسوزاند و نوری بنما که مرا به اقیانوس وصال هدایت کند."<sup>۲</sup> (مضمون)

۱. حضرت محمد چه کسی است؟.....
۲. حضرت محمد در باره ی دعا چه فرموده اند؟.....
۳. دعا و مناجات از چه لحاظ مانند نردبان است؟.....

<sup>۱</sup> "الصلاة معراج المؤمن به يصعد الى السماء."

<sup>۲</sup> "...بأن تجعل صلاتي ناراً لتحرق حجاباتي التي منعتني عن مشاهدة جمالك و نوراً يذللني الى بحر وصالك."

۴. بعضی از پرده‌هایی که ما را از خداوند باز می‌دارند، نام ببرید.....

۵. دعا و نماز از چه نظر شبیه آتش است؟ و چه چیزی را می‌سوزاند؟.....

۶. دعا و نماز از چه لحاظ مانند نور است؟ و ما را به سوی کجا هدایت می‌کند؟.....

۷. آیا می‌توانید چهار عبارت درباره‌ی دعا و مناجات بنویسید؟

- دعا و مناجات.....است.
- دعا و مناجات.....است.
- دعا و مناجات.....است.
- دعا و مناجات.....است.

## بخش سوم

کلمات زیر را از حضرت عبدالبهاء بخوانید و در آن‌ها تفکر نمایید:

"در عالم هستی هیچ چیز شیرین‌تر از دعا و مناجات نیست. انسان باید در حالت دعا و مناجات زندگی کند. مبارک‌ترین شرایط و احوال را دعا و مناجات و تضرع و زاری به وجود می‌آورد. دعا و مناجات گفتگو با خداوند است و بزرگ‌ترین موفقیت یا شیرین‌ترین حالت، همانا گفتگو با خداوند است؛ چون روحانیت ایجاد می‌کند؛ هشیاری و آگاهی و احساسات آسمانی تولید می‌نماید؛ انجذابات بدیع از ملکوت الهی حاصل می‌کند و استعداد و قابلیت درکِ عالی‌تر را خلق می‌نماید." (ترجمه)

۱. شیرین‌ترین حالت در عالم هستی چیست؟.....

۲. «حالت دعا و مناجات» به چه معنی است؟.....

۳. در نتیجه‌ی دعا و مناجات چه شرایط و احوالی ایجاد می‌شود؟ نام ببرید.....

## بخش چهارم

کلمات زیر را از حضرت بهاء‌الله بخوانید و در آن‌ها بیندیشید:

"ای بنده‌ی من، آنچه را از آثار خداوند به دست رسیده، به شیوه‌ی مقربان درگاه الهی، تغنی کن، تا شیرینی نغمه‌هایت، روح خودت و نیز قلب‌های همه‌ی مردمان را جذب نماید. و کسی که درخانه‌اش به تنهایی آیات الهی را تلاوت کند، فرشتگان پراکنده‌ساز، بوی خوش کلماتی را که بر زبانش جاری می‌شود، در همه‌سو پراکنده خواهند کرد و قلب هر انسان درستکاری را به طپش خواهد آورد. اگرچه ممکن است او در آغاز از تأثیر آن آگاه نباشد؛ ولی نیکی این بخشش، دیر یا زود، بر روحش اثر خواهد کرد. اینگونه، بواسطه‌ی اراده‌ی کسی که منبع و مصدر قدرت و حکمت است، اسرار ظهور الهی مشخص و مقدر گردیده است."<sup>۱</sup> (ترجمه)

<sup>۱</sup> "أَنْ إِقْرَأْ يَا عَبْدَ مَا وَصَلَ إِلَيْكَ مِنْ آثَارِ اللَّهِ بِرَبِّوَاتِ الْمُقَرَّبِينَ لِتَسْتَجِدَّ بِهَا نَفْسَكَ وَ تَسْتَجِدَّ مِنْ نِعْمَاتِكَ أَفْنَدَةَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ مَنْ يَقْرَأْ آيَاتِ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ وَحْدَهُ لَيَنْشُرَنَّ نَفْحَاتُهَا الْمَلَائِكَةُ النَّاشِرَاتُ إِلَى كُلِّ الْجِهَاتِ وَ يَنْقَلِبُ بِهَا كُلُّ نَفْسٍ سَلِيمٍ وَ لَوْ لَنْ يَسْتَشْعِرَ فِي نَفْسِهِ وَلَكِنْ يَظْهَرُ عَلَيْهِ هَذَا الْفَضْلُ فِي يَوْمٍ مِنْ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ قَدَّرَ حَقِّيَاتُ الْأَمْرِ مِنْ لَدُنْ مُقَدِّرٍ حَكِيمٍ."



۱. معنی «تغنی کن» چیست؟.....
۲. چگونه باید آیات الهی را تغنی کنیم؟.....
۳. شیرینی نغمه ی ما، چه تاثیری بر روح خودمان خواهد داشت؟.....
۴. شیرینی نغمه ی ما، چه تاثیری بر قلب های همه ی مردمان خواهد داشت؟.....
۵. «تلاوت کردن» به چه معنی است؟.....
۶. «پراکنده کردن» یعنی چه؟.....
۷. دعاهای ما، بر کسانی که حتی نمی دانند ما مشغول به دعا هستیم، چه تاثیری می تواند داشته باشد؟.....

## بخش پنجم

می دانیم که خداوند ما را خلق کرده است؛ خداوندی که علیم و حکیم است. او می داند ما چه می خواهیم و به چه چیزی نیاز داریم. بنابراین چرا باید دعا کنیم؟ او که به دعا های ما احتیاجی ندارد. اما با وجود این حقیقت، ترقی ارواح ما به دعا و مناجات وابسته است؛ چون دعا و مناجات، غذای روح است. وقتی دعا می کنیم در واقع داریم غذای روحانی صرف می نماییم و از طریق نیروهای عشق و محبتی که ما را به جهان های الهی مرتبط می سازد، برکات و عنایات خداوند را دریافت می کنیم. دعا و مناجات ظرفیت و استعداد ما را افزایش می دهد تا از بخشش های روحانی بهره ببریم و خوشبختی حقیقی را تجربه کنیم.

راه به سوی خداوند مستقیم و باریک است؛ ممکن است موانع بی شماری راه را بر ما مسدود کند. اما به وسیله ی تضرع و زاری خالص و پر حرارت و پایدار، می توانیم بر این موانع غلبه یابیم و در ادامه ی راه، هدایت شویم. وقتی هدایت شدیم، باز هم دعا و مناجات کمکمان خواهد کرد تا به سوی خداوند پیش برویم و دورنمای سرنوشت ویژه ی خود را گم نکنیم. به همین دلیل است که باید همواره، دعا کنیم تا به واسطه ی عشق الهی، ارواحمان وسعت و قدرت گیرد و با پایداری و استقامت، در مسیر سعادت ابدی پیش برویم. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"در بالا ترین مرتبه ی مناجات، انسان فقط به خاطر عشق به خداوند دعا می کند. در این حالت، دعا و مناجات او به علت ترس از خداوند یا آتش دوزخ و یا به امید برخورداری از رحمت الهی یا رسیدن به بهشت برین نیست...وقتی کسی عاشق انسانی می شود، ممکن نیست نام محبوبش را بر زبان نیاورد و چقدر مشکل تر و سخت تر خواهد بود برای انسان عاشق خداوند که از ذکر نام او خود داری کند...انسان روحانی از هیچ چیز شادمانی نمی یابد، مگر از یاد و ذکر خداوند." (ترجمه)

"اگر کسی، فرد دیگری را دوست بدارد، آیا طبیعی نیست آرزو کند این عشق را بر زبان آورد؟ چنین شخصی در حالی که می داند محبوبش از محبت او آگاه است، آیا هنوز هم نمی خواهد از عشق خود با او سخن گوید؟...درست است که خداوند از اسرار و آرزو های همه ی قلب ها آگاه است؛ اما تمایل به دعا، امری ذاتی و طبیعی است که منبعت از محبت انسان به خداوند رحمان می باشد." (ترجمه)

۱. چرا باید دعا کنیم؟.....

## ۲. جمله های زیر را کامل کنید:

در .....، انسان فقط به خاطر ..... به خداوند ..... در این حالت، دعا و مناجات او به خاطر ترس از خداوند یا ..... و یا به امید ..... یا رسیدن به بهشت برین نیست. وقتی ..... انسانی می شود ..... بر زبان نیاورد و چقدر ..... و ..... خواهد بود برای انسان ..... که از ذکر ..... خودداری کند. انسان روحانی از هیچ چیز ..... نمی یابد، مگر ..... خداوند.

## بخش ششم

فقرات زیر را از آثار حضرت بهاء الله که از نماز بزرگ گرفته شده است؛ از حفظ نمایید:

" ای خدای من به آرزوها و اعمال من منگر؛ بلکه به اراده ی خودت نظر نما که آسمان ها و زمین را فراگرفته است. قسم به نام بزرگت ای مالک امت ها، من نخواستهم ام مگر آنچه را تو خواسته ای و دوست نمی دارم مگر آنچه را تو دوست می داری." <sup>۱</sup> (ترجمه)

" ای پروردگار من، نماز مرا چشمه ی آب زندگی قرار بده که به واسطه ی آن، تا زمانی که پادشاهی تو پایدار است، باقی و برقرار بمانم و در هر یک از جهان های تو، به ذکر و ثنایت مشغول گردم." <sup>۲</sup> (ترجمه)

" تو بسی پاک تر و برتر از آن هستی که ستایش مقربان درگاهت، تا آسمان قربت بالا رود و یا پرندگان قلب های بندگانت، به آستان درگاهت واصل شود. گواهی می دهم که تو مقدسی از همه ی صفت ها و منزه ای از تمامی نام ها. خدایی نیست مگر تو، که علی و ابهی هستی." <sup>۳</sup> (ترجمه)

## بخش هفتم

وقتی به دعا و مناجات می پردازیم باید افکارمان را متمرکز بر خداوند نماییم؛ باید همه چیز این دنیا، از جمله چیزهایی که در اطرافمان هستند و یا حتی خودمان را، فراموش کنیم. حضرت بهاء الله در این باره می فرماید:

<sup>۱</sup> "الهی الهی لا تنظر الی آمالی و اعمالی بل الی إرادتک الّتی أحاطتِ السّمواتِ و الأرض. و اسمکِ الأعظم یا مالکِ الأمم ما أردتِ إلا ما أردتَهُ و لا أحبّ إلا ما تُحِبُّ."

<sup>۲</sup> "أیرب فاجعل صلاتی کوثرَ الحیوان لیبقی به ذاتی بدوام سلطنتک و یذکرک فی کلّ عالم من عوالمک."

<sup>۳</sup> "سبحانک من أن تصعدَ الی سماء قُربک أذکارُ المقرّبین أو أن تصلَ الی فناءِ بابک طیورُ أفئدةِ المُخلصین. أشهد إنک کُنتَ مقدّساً عن الصّفات و منزهاً عن الأسماء. لا اله الا انت العلیّ الابهی."

" ای پسر روح، هر چیزی غیر از مرا فراموش کن و با روح انس بگیر. این جوهر فرمان من است؛ پس به آن توجه نما."<sup>۱</sup> (ترجمه)

فراموش کردن همه چیز به جز خداوند، کار آسانی نیست. نیازمند تلاش است. آرزو و اشتیاق عظیم می‌خواهد. وقتی قلب‌های ما پاک و از خیالات و تصورات شخصی آزاد باشد، دعاهایمان عظیم‌ترین تأثیرات را خواهد داشت.

" به خدا توکل کن؛ ارده‌ی خود را بگذار و به اراده‌ی او بیاویز؛ خواسته و رضای خود را رها کن و به خواسته و رضای او چنگ بزن."<sup>۲</sup> (ترجمه)

لیوانی را در نظر آورید که پر از شیر پاک و گوارا است. می‌توانیم از این شیر، محصولات متنوعی مثل کره، پنیر و خامه بدست آوریم. اما اگر به همین شیر، یک قطره سم اضافه کنیم، آلوده شده و فایده‌اش را از دست می‌دهد. دیگر خالص نخواهد بود و به هیچ دردی نخواهد خورد. سمی که انسان در زندگیش وارد می‌کند، خواسته‌های نفسانیش است. اگر می‌خواهیم دعاهایمان تأثیرات زیادی داشته باشد؛ باید وجودمان را از خواسته‌های نفسانی آزاد سازیم.

یک شرط ضروری بسیار مهم دیگر برای حالت دعا و مناجات، ایمان است. باید به رحمت و عنایت الهی کاملاً اعتماد کنیم و مطمئن باشیم که خداوند هر چه را خیر و صلاحمان است بر ایمان پیش خواهد آورد. در این باره حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"روح تأثیر دارد؛ دعا اثر روحانی دارد. بنابراین دعا می‌کنیم که "خدایا این مریض را شفا بخش"، و شاید خداوند پاسخ گوید. آیا مهم است که چه کسی دعا می‌کند؟ خداوند به دعای ملتمسانه‌ی هر بنده‌ای پاسخ می‌دهد. رحمت او وسیع و نامحدود است. او به دعاهای همه‌ی بندگانش جواب می‌دهد. به دعای این گیاه هم پاسخ می‌گوید. گیاه بالقوه دعا می‌کند: "خدایا، بر من باران ببار" و خدا پاسخ می‌دهد و گیاه رشد می‌نماید. خداوند به هر کسی پاسخ می‌دهد." (ترجمه)

۱. وقتی دعا می‌خوانیم، باید چه حالتی داشته باشیم؟.....

۲. وقتی دعا می‌خوانیم، افکارمان باید متمرکز بر کجا باشد؟.....

۳. چگونه می‌توانیم همه چیز، جز خداوند را فراموش کنیم؟.....

۴. وقتی قلب‌هایمان از تصورات بیهوده و آرزوهای خودخواهانه، پاک و آزاد باشد، دعاهایمان چه تأثیراتی

خواهد داشت؟

.....

۵. بعضی صفت‌های روحانی را که می‌توانیم هنگام دعاهایمان طلب کنیم، بنویسید. ....

۶. توضیح بدهید چرا مهم است که با ایمان دعا کنیم؟.....

<sup>۱</sup> "يَا ابْنَ النُّورِ، اِنْسَ دُونِي وَ اِنْسِ بِرُوحِي، هَذَا مِنْ جَوْهَرِ اَمْرِي فَاقْبَلْ اِلَيْهِ."

<sup>۲</sup> "تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ اتَّزِكْ اِرَادَتَكَ وَ تَمَسَّكْ بِاِرَادَةِ اللَّهِ وَ دَعَى رِضَائِكَ وَ خُدَى رِضَاءِ اللَّهِ"

۷. منظور از « رحمت الهی » چیست؟.....

۸. وقتی در دعا و مناجات، افکارمان مشغول به چیزهای دیگر است، چه وضعی پیش خواهد آمد.

## بخش هشتم

در درس های قبلی در باره ی سرشت دعا و مناجات و اینکه چگونه و چرا باید دعا کنیم، مطالبی آموختیم. همچنین بسیار مهم است که بدانیم دعا کردن یکی از احکام حضرت بهاء الله است و باید از آن اطاعت کرد. نه تنها باید هر روز دعا و مناجات بخوانیم؛ بلکه علاوه بر این باید، حد اقل در هر صبح و شام، آیات الهی را نیز تلاوت کنیم. در این باره حضرت بهاء الله می فرماید:

" در هر صبح و شام آیات الهی را بخوانید. کسی که نخواند، به عهد و میثاق خداوند وفا ننموده است و هر کسی، در این یوم، از کلمات خدا روی بگرداند؛ در حقیقت، از زمان بی آغاز، از خداوند روی گردانده است. بترسید از خدا، همه ی شما، ای بندگان من." (ترجمه)

دعاهایی را که در صبح، در شب و یا در اوقات دیگر تلاوت می کنیم، می توانیم از مناجات های بسیار زیادی که توسط حضرت باب، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل شده، انتخاب نماییم. مدت زمانی که صرف دعا می نماییم و تعداد مناجات هایی که می خوانیم، بستگی به نیازهایمان و عطش روحانیمان دارد. با این وجود، حضرت بهاء الله سه دعای اجباری؛ یعنی نماز، هم نازل نموده اند که در باره ی آن ها حضرت شوقی افندی می فرماید:

" نمازهای روزانه سه عدد هستند. کوتاه ترین آن ها، تنها یک آیه است که باید در هر بیست و چهار ساعت یک بار، در هنگام ظهر، ادا شود. نماز دوم که حالت متوسط دارد باید هر روز سه بار، در صبح و ظهر و شام، خوانده شود. اما نماز بزرگ که مفصل ترین آن ها است، باید در هر بیست و چهار ساعت یک بار و در هر وقت که شخص، تمایل به انجام آن دارد، ادا شود.

فرد مؤمن کاملاً مختار است هر کدام از این سه نماز را برگزیند؛ اما خواندن یکی از آن ها طبق دستورالعمل های مربوطه، برایش واجب است.

حضرت بهاء الله به این نماز های روزانه و نیز چند دعای مخصوص دیگر، مثل دعای شفا و لوح احمد، قدرت و اهمیت خاصی بخشیده اند و بنابراین، مؤمنین باید آن ها را به همین صورت بپذیرند و با ایمان و اطمینانی تردید ناپذیر بخوانند. به واسطه ی آن ها است که مؤمنین می توانند ارتباط نزدیک تری با خداوند برقرار نمایند و قوانین و احکام او را هر چه بیشتر، در زندگی شان جاری سازند." (ترجمه)

۱. در دیانت بهائی، آیا فقط وقتی به چیزی نیاز داریم، دعا می کنیم؟.....

۲. چرا ما از احکام حضرت بهاء الله پیروی می کنیم؟.....

۳. حد اقل چند مرتبه در روز باید آیات الهی را بخوانیم؟.....

۱ "أتلوا آیات الله فی كل صباح و مساء إنَّ الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه و الذی اعرض عنها الیوم إنه ممن اعرض عن الله فی ازل الازل اتقن الله یا عبادي کلکم اجمعون."

۴. اگر در صبح و شام آیات الهی را بخوانیم، چه وضعی خواهیم داشت؟.....
۵. « روی گرداندن » به چه معنی است؟.....
۶. حضرت بهاء الله چند عدد نماز نازل نموده اند؟.....
۷. آیا باید هر سه نماز را در هر روز بخوانیم؟.....
۸. اگر نماز بزرگ را انتخاب کنیم، چند بار در روز باید آن را بجا آوریم؟.....
۹. نماز وسطی را چگونه بخوانیم؟.....
۱۰. نماز کوچک را چگونه بخوانیم؟.....
۱۱. بعضی دعاها را که دارای قدرت مخصوص هستند نام ببرید.....
۱۲. نماز کوچک را تلاوت کنید.....
۱۳. در این نماز به چه چیزی گواهی می دهید؟.....
۱۴. کلمه ی « واجب » به چه معنی است؟.....

## بخش نهم

آموختیم که حضرت بهاء الله برای این عصر و زمان، دعا خواندن را به صورت يك حکم و قانون در آورده اند و نیز یاد گرفتیم که هرگاه دعا بخوانیم به عهد و میثاق خداوند وفا می نماییم. همچنین می دانیم که آن حضرت برای همه ی موقعیت ها ی زندگی ما، دعا و مناجات هایی عنایت فرموده اند و به بعضی از آن ها قدرت و نیروی مخصوصی بخشیده اند که از آن جمله، نمازهای سه گانه هستند. این نمازها به صورت فردی برگزار می شوند یعنی در وقتی که به تنهایی به راز و نیاز با خداوند مشغولیم. سایر دعاها را می توان به صورت فردی و یا هنگامی که در جمع هستیم تلاوت کرد. باید به خاطر داشته باشیم که نماز جماعت؛ به این معنی که کسی آیه ای را بخواند و دیگران تکرار کنند، در دیانت بهائی وجود ندارد. البته تنها استثناء، نماز میت است.

وقتی دعا می خوانیم تمام فکر و روحمان را متوجه خداوند می نماییم. باید قبل از آغاز به دعا و مناجات، چند لحظه تمرکز کنیم و بکوشیم ذهنمان را از امور دنیوی پاک سازیم. به این منظور، بعضی از افراد، در سکوت، اسم اعظم را تکرار می نمایند. وقتی دعایمان تمام شد باید در باره ی کلماتی که خوانده ایم فکر کنیم و شتاب زده به فعالیت دیگری نپردازیم. این نحوه ی عمل چه هنگامی که به تنهایی دعا می خوانیم و چه وقتی که در جمع هستیم، صادق است. وقتی کسی دیگر، دعا و مناجات می خواند و ما می شنویم، می توانیم چنین احساس کنیم که انگار خودمان دعا می خوانیم؛ باید به کلماتی که شخص دیگری می خواند دقیقاً توجه کنیم و حالت دعا و مناجات را در خود حفظ نماییم.

۱. وقتی هر روز دعا و مناجات می خوانیم به چه چیزی وفادار هستیم؟.....
۲. حضرت بهاء الله چند نوع دعا نازل فرموده اند؟.....
۳. چند عدد نماز روزانه موجود است؟.....

۴. آیا می توانیم نمازهای روزانه را در جلسات عمومی تلاوت کنیم؟.....

۵. قبل از شروع به دعا باید چه کنیم؟.....

۶. بعد از اتمام دعا باید چه کنیم؟.....

۷. وقتی در جلسه ای، فرد دیگری مناجات تلاوت می کند، ما باید چه حالتی به خود بگیریم؟  
.....

۸. وقتی در جلسه ای، فرد دیگری مناجات می خواند، ما باید به چه چیزی بیندیشیم؟  
.....

۹. آیا درست است وقتی شخص دیگری مشغول تلاوت دعا است، ما برای پیدا کردن مناجات مورد نظرمان،  
.....

کتاب مناجات را ورق بزنیم؟.....

۱۰. در باره ی حالت احترامی که باید هنگام خواندن دعا و مناجات، به خصوص در جلسات، داشته باشیم،  
مختصراً توضیح دهید.  
.....  
.....



# زندگی و مرگ

هدف:

درک اینکه زندگی، تغییرات و حوادث این جهان نیست؛ بلکه اهمیت حقیقی آن در ترقی روح انسانی است. زندگی حقیقی، زندگی روح است که مدتی کوتاه در این عالم ظاهر می شود و سپس برای همیشه در جهان های دیگر خداوند، ادامه می یابد.



## بخش اول

منشاء و سرچشمه ی روح، جهان های روحانی خداوند است. روح، برتر از ماده و دنیای مادی است. همراهی و مؤانست روح که از این جهان های روحانی آمده است، با جنین، در لحظه ی شکل گیریش، آغاز زندگی فرد انسانی است. این همراهی و مؤانست، مادی نیست؛ یعنی روح وارد بدن نمی شود و از آن خارج نمی گردد و فضای مادی اشغال نمی کند. روح به عالم مادی تعلق ندارد و همراهی آن با جسم، مانند ارتباط نور است هنگامی که در آینه انعکاس می یابد. نوری که در آینه ظاهر می شود، داخل آن نیست، بلکه از يك منبع خارجی سرچشمه می گیرد. به همین صورت، روح داخل بدن نیست؛ بلکه رابطه مخصوصی میان روح و جسم برقرار است و هر دو باهم، وجود انسان را شکل می دهند.

۱. با توجه به پاراگراف بالا، تعیین کنید آیا جمله های زیر درست است یا غلط:

- سرچشمه ی روح از جهان های روحانی خداوند است. درست غلط
- آغاز زندگی فرد وقتی است که روح، خود را با جنین، همراه و مؤانس می سازد. درست غلط
- روح، متعلق به دنیای مادی است. درست غلط
- روح، داخل بدن است. درست غلط
- روح و جسم با همدیگر، وجود انسان را شکل می دهند. درست غلط
- روح، برتر از عالم مادی است. درست غلط
- رابطه ی میان روح و جسم، شبیه رابطه ی بین نور و آینه ای است که آن را منعکس می نماید. درست غلط

۲. این پاراگراف به این اشاره دارد که:

- زندگی حقیقی وقتی شروع می شود که فرد در این جهان متولد می شود. درست غلط
- وجود مادی، در جهان های دیگر خداوند ادامه می یابد. درست غلط
- جسم، مالک روح است. درست غلط
- زندگی از چیزهایی که هر روز برای ما اتفاق می افتد، تشکیل می شود. درست غلط

۳. پرسش ها:

- روح از کجا سرچشمه می گیرد؟.....
- آغاز زندگی یک فرد چه وقتی است؟.....

- چه چیزی وجود انسان را شکل می دهد؟.....
- روح به چه جهان هایی تعلق دارد؟.....

## بخش دوم

بین روح و جسم که با همدیگر وجود يك انسان را تشکیل میدهند؛ ارتباط بسیار مخصوصی موجود است. این ارتباط فقط در طول زندگی فانی ادامه می یابد. وقتی این زندگی پایان یافت، هر کدام از آن ها به اصل خود بازمی گردند، جسم به عالم خاک و روح به جهان های روحانی خداوند می رود. روح که از عرصه های روحانی صادر گشته و به صورت و مثال خداوند خلق شده، قادر به کسب خصائص الهی و صفات آسمانی است و بعد از جدایی از بدن، تا ابد، پیشرفت و ترقی می نماید.

۱. پرسش ها:

- رابطه ی میان روح و جسم تا کی ادامه می یابد؟.....
- جسم بعد از مرگ به کجا می رود؟.....
- روح بعد از مرگ به کجا می رود؟.....
- روح تا کی ترقی می کند؟.....
- کدام یک مهم تر است، روح یا جسم؟.....
- روح از کجا می آید؟.....
- چه قسمت از وجود انسان به صورت و مثال خداوند خلق شده است؟.....
- وقتی می میریم زندگیمان چگونه تغییر می کند؟.....
- زندگی چه وقت پایان می پذیرد؟.....
- وقتی می میریم، چه وضعی برای رابطه ی میان جسم و روحمان پیش خواهد آمد؟.....

۲. پاراگراف بالا می گوید یا اشاره می نماید که:

- مرگ، یک مجازات است. درست غلط
- جسم های ما به صورت و مثال الهی خلق شده است. درست غلط
- رابطه ی میان روح و جسم فقط در طول زندگی فانی برقرار است. درست غلط
- جسم، قادر به کسب صفات الهی است. درست غلط

- روح، برای همیشه ترقی خواهد کرد. درست غلط
- مرگ، پایان زندگی است. درست غلط
- بعد از مردن، جسم های ما به پا می خیزند. درست غلط
- بعد از مرگ، روح ما از آزادی بیشتری، نسبت به این جهان، برخوردار خواهد بود. درست غلط
- زندگی با مرگ پایان می پذیرد. درست غلط
- باید از مرگ بترسیم. درست غلط

## بخش سوم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"واکنون راجع به سوال شما درباره ی روح انسان و بقای آن بعد از مرگ. این حقیقت را بدان که روح بعد از جدانش از بدن، به ترقی خود ادامه خواهد داد تا این که به محضر خداوند برسد؛ آن هم به صورت و حالتی که نه دگرگونی های روزگار و نه رخداد های این جهان، تغییری در آن ایجاد نخواهد کرد. و تا زمانی که ملکوت خداوند و سلطنت و قدرت و حکومت او باقی است، پایدار و برقرار خواهد ماند. و آثار خداوند و صفات او را ظاهر خواهد کرد، و نیز عنایت خداوند و لطف او را پدیدار خواهد نمود."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. پرسش ها:

- جدایی روح از بدن، چه نامیده می شود؟.....
- روح تا کی به ترقی خود ادامه خواهد داد؟.....
- آثار و صفاتی که روح در جهان دیگر ظاهر خواهد کرد، چه هستند؟.....
- روح چه چیزی را پدیدار خواهد نمود؟.....
- آیا روح به زندگی خود بعد از مرگ ادامه خواهد داد؟.....

۲. کلمات حضرت بهاء الله اشاره به این دارد که:

- روح به محضر خداوند خواهد رسید. درست غلط

<sup>۱</sup> "وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنِ الرُّوحِ وَبَقَائِهِ بَعْدَ صُعودِهِ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ يَصْعَدُ حِينَ ارْتِقَائِهِ إِلَى أَنْ يَحْضَرَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فِي هَيْكَلٍ لَا تُغَيِّرُهُ الْقُرُونُ وَالْأَعْصَارُ وَلَا حَوَادِثُ الْعَالَمِ وَمَا يَظْهَرُ فِيهِ وَيَكُونُ بَاقِيًا بِدَوَامِ مَلَكُوتِ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ وَجَبْرُوتِهِ وَاقْتِدَارِهِ وَمِنْهُ يَظْهَرُ آثَارُ اللَّهِ وَصِفَاتِهِ وَعِنَايَاتِ اللَّهِ وَالطَّافَةِ."

- وضعیت روح، حتی بعد از مرگ، تحت تاثیر تغییرات این عالم قرار خواهد گرفت  
درست غلط
- ملکوت خداوند همواره باقی و برقرار است.  
درست غلط
- روح، این توانایی را دارد که صفات خداوند را ظاهر سازد؛ صفاتی مثل مهربانی و بخشندگی را.  
درست غلط
- وضعیت روح، بعد از مرگ، بسیار عالی تر از وضعیت آن در این دنیا خواهد بود.  
درست غلط

## بخش چهارم

حضرت بهاء الله می فرماید:

"بدان که هر گوش شنوایی، اگر پاک و طاهر نگاه داشته شود، باید در همه ی زمان ها و از همه ی جهت ها، به صدایی گوش سپارد که این کلمات مقدس را بیان می کند: « به راستی ما از خداوند هستیم و به سوی او باز خواهیم گشت.» اسرار مرگ جسمانی انسان و باز گشت او، آشکار نگشته و هنوز ناخوانده مانده است. قسم به خداوند، که اگر آشکار گردد، چنان ترس و اندوهی ایجاد خواهد کرد که بعضی افراد هلاک شوند؛ در حالی که بعضی دیگر چنان سرشار از سرور و نشاط خواهند شد که آرزوی مرگ نمایند و با اشتیاقی مداوم، از خداوند یگانه - که برتر باد بزرگواری او- تمنا کنند که هرچه زودتر به زندگیشان پایان دهد.

مرگ به هر مؤمن مطمئنی، جامی عطا می کند که در حقیقت، زندگی است. مرگ، شادمانی می بخشد و سرور می آورد و زندگی جاودانی عطا می کند.

به خصوص، کسانی که از ثمره ی زندگی زمینی، یعنی شناخت خداوند یگانه - که برتر باد بزرگواری او- چشیده اند، حیات بعدی آن ها چنان است که ما نمی توانیم توصیف کنیم. علم و آگاهی از آن، فقط نزد خداوند، پروردگار همه ی جهان ها است.<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. درست یا غلط را مشخص کنید:

- روح انسان از نزد خداوند می آید و به سوی او باز خواهد گشت.  
درست غلط
- مرگ جسمانی انسان یک راز است.  
درست غلط
- اگر اسرار مرگ آشکار شود هر کسی وحشت زده خواهد شد.  
درست غلط

<sup>۱</sup> "اذن واعیة طاهرة مقدسه در جمیع احیان از کل اشطار کلمة مبارکه انا لله و انا الیه راجعون اصغا مینماید. اسرار موت و رجوع مستور بوده و هست لعمر الله اگر ظاهر شود بعضی از خوف و حزن هلاک شوند و بعضی بشانی مسرور گردند که در هر آتی از حق جل جلاله موت را طلب نمایند."

"موت از برای موقنین بمنابہ کأس حیوان است فرح بخشد و سرور آرد و زندگانی پابنده عطا فرماید."  
"مخصوص، نفوسی که بثمره خلقت که عرفان حق جل جلاله است فائز شده اند این مقام را بیانی دیگر و ذکر دیگر است. العلم عند الله رب العالمین."

- اگر این اسرار فاش شود هر کسی آرزوی مرگ خواهد کرد. درست غلط
- برای مؤمن حقیقی، مرگ، زندگی است. درست غلط
- همه ی علم زندگی بعد از مرگ، نزد خداوند است. درست غلط
- مرگ، سرور و شادمانی می آورد. درست غلط
- اسرار مرگ ظاهر شده است و همه آن را می خوانند. درست غلط
- برای ما مهم است که در باره ی زندگی بعد از مرگ بدانیم. درست غلط

۲. قسمت های خالی را پر کنید:

- اسرار مرگ جسمانی انسان.....
- اگر آن ها آشکار شود.....
- کسانی که در عهد و میثاق خداوند پایدار نبوده اند احساس.....
- کسانی که در عهد و میثاق خداوند پایدار بوده اند چنان سرشار از..... خواهند شد که آرزوی.....نمایند.

## بخش پنجم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"مقصود خداوند از خلق انسان این بوده و همواره نیز همین خواهد بود که او را توانایی دهد تا خالق خود را بشناسد و در محضرش وارد شود. همه ی کتاب های آسمانی و صحیفه های الهی به وضوح و روشنی، به این هدف عالی گواهی می دهند. هر کسی که صبح هدایت الهی را شناخت و به بارگاه مقدسش راه یافت، به خداوند نزدیک شده و در محضرش قرار گرفته؛ محضری که بهشت حقیقی است و عالی ترین قصرهای آسمانی فقط نمادی از آن می باشد... و هر کسی که او را شناخت، خود را به ذلت دوری، محکوم می نماید؛ ذلتی که چیزی نیست مگر نابودی محض و اصل آتش دوزخ. این است عاقبت چنین انسانی؛ حتی اگر در ظاهر، عالی ترین مقام های زمینی را صاحب شود و بر بلند ترین تخت های گیتی تکیه زند."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. پرسش ها:

- مقصود خداوند از خلق انسان چه بوده است؟.....

<sup>۱</sup> "مقصود از آفرینش، عرفان حق و لقای او بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربانیه من غیر حجاب این مطلب احلی و مقصد اعلی مذکور و واضح است و هر نفسی که به آن صبح هدایت و فجر احدیت فائز شد به مقام قرب و وصل که اصل جنت و اعلی الجنان است فائز گردید . . . و آلا در امکان بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگر چه در ظاهر بر آکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد."

- آیا این مقصود از یک زمان تا زمان دیگر، تغییر می کند؟.....
- چه کتاب هایی به این هدف، گواهی می دهند؟.....
- « صبح هدایت الهی » چه کسی است؟.....
- وقتی « صبح هدایت الهی » را بشناسیم، به چه کسی نزدیک می شویم؟.....
- « بهشت حقیقی » چیست؟.....
- اگر « صبح هدایت الهی » را نشناسیم، باید منتظر چه چیزی باشیم؟.....
- « نابودی محض » و « اصل آتش دوزخ » به چه وضعیتی اشاره دارند؟.....

## بخش ششم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"انسان در آغاز زندگیش، به صورت جنین، در عالم رَحْم بود. در آنجا، او استعداد و قابلیت لازم را برای حقیقت وجود انسانی، دریافت نمود. در آن شرایط محدود، قوا و تواناییهای لازم برای این جهان به او بخشیده شد. در این دنیا او به چشم نیاز داشت، بالقوه آن را در آنجا دریافت کرد؛ به گوش محتاج بود، آن را در آنجا به دست آورد تا برای زندگی جدیدش آماده شود. قوایی که در این جهان لازم داشت، در عالم رَحْم به او بخشیده شد. . . پس، در این عالم نیز او باید خود را برای زندگی بعدی آماده کند. آنچه را که در عالم ملکوت نیاز دارد باید در اینجا به دست آورد. همانطور که او در عالم رَحْم، با به دست آوردن نیروهای لازم برای این عرصه ی هستی، خود را آماده نمود؛ به همین صورت، باید قوای ضروری برای هستی ملکوتیش را بالقوه، در این جهان، به دست آورد."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. درست یا غلط را مشخص کنید:

- ما، استعدادها و قابلیت هایی را که در این جهان نیاز داریم، در عالم رَحْم دریافت کردیم. درست غلط
- شرایط انسان در رَحْم محدود نبود. درست غلط
- همه ی قوا و توانایی های لازم برای این عالم، در عالم رَحْم به انسان بخشیده شد. درست غلط

<sup>۱</sup> "در بدایت حیاتش انسان در عالم رَحْم بود و در عالم رَحْم استعداد و لیاقت ترقی باین عالم حاصل کرد. و قوایی که در این عالم لازم بود در آن عالم تحصیل نمود. چشم لازم داشت در این عالم، در عالم رَحْم حاصل نمود. گوش لازم داشت در این عالم، در عالم رَحْم پیدا کرد. جمیع قوایی که در این عالم لازم بود در عالم رَحْم تحصیل کرد. در عالم رَحْم مهیای این عالم شد، و به این عالم که آمد دید که جمیع قوای لازمه مهیا است، جمیع اعضاء و اجزائی که از برای این عالم حیات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده . . . پس در این عالم نیز باید تهیه و تدارك عالم بعد را دید، و آنچه در عالم ملکوت محتاج باید تهیه و تدارك آن در اینجا ببیند. همچنانکه در عالم رَحْم قوایی که در این عالم محتاج به آن است پیدا نمود، همچنین لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند."

- نیازی به این نیست که کسی خود را برای عالم بعد، آماده نماید. درست غلط
- آنچه را که در عالم ملکوت نیاز داریم، می توانیم در آنجا به دست آوریم. درست غلط
- هدف زندگی در اینجا این است که قوا و توانایی هایی را که برای زندگی بعدی لازم است، به دست آوریم. درست غلط
- زندگی حقیقی وقتی آغاز می شود که انسان بمیرد و به ملکوت الهی برود. درست غلط
- زندگی حقیقی، زندگی روح است. درست غلط
- زندگی حقیقی، در این جهان شروع می شود و بعد از مرگ جسمانی، ادامه می یابد. درست غلط

۲. پرسش ها:

- انسان، زندگیش را چگونه آغاز می نماید؟.....
- او، استعدادها و توانایی هایش را در کجا دریافت می کند؟.....
- بعضی چیز ها که انسان در این جهان نیاز دارد و در عالم رَحْم به او داده می شود چیست؟.....
- چه قابلیت هایی برای زندگی بعد از مرگ، باید در اینجا به دست آید؟.....

## بخش هفتم

حضرت بهاء الله می فرماید:

"همه ی وظیفه ی انسان در این یوم، این است که سهمی را از دریای فضل و بخشش که خداوند برای او مقدر کرده، به دست آورد. بنا براین، بهتر است نظر، به کوچکی و بزرگی ظرف نباشد. سهم بعضی ممکن است در حد کفِ دستی باشد، و سهم دیگران به اندازه ی جامی، و سهم کسانی دیگر، به قدر قَدْحی."<sup>۱</sup>  
(ترجمه)

۱. پرسش ها:

- بعضی برکت هایی را که از خداوند دریافت داشته اید، بنویسید.....

<sup>۱</sup> "اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر به کوچکی و بزرگی ظروف باشد، یکی کفی اخذ نموده و دیگری کاسی و همچنین دیگری کوبی و دیگری قدری."

- در این باره که چگونه انسان خود را، از دریافت سهمش از بخشش خداوند، محروم می نماید مثال هایی بزنید.

.....

- چرا نباید به « کوچکی و بزرگی » ظرفان نظر کنیم؟

.....

۲. درست یا غلط را مشخص کنید:

- فقط فیلسوف های بزرگ استعداد شناخت خداوند را دارند. درست غلط
- برای خدمت به خداوند، نیاز داریم ضعف های خود را فراموش کنیم و به او اعتماد نماییم. درست غلط
- اگر در این عالم، آنچه را که خداوند به ما بخشیده است رشد و توسعه ندهیم، وقتی به جهان دیگر وارد شویم، روحی ضعیف خواهیم داشت. درست غلط

## بخش هشتم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"شما در باره ی طبیعت روح سؤال کرده اید. به راستی بدان که روح، نشانه ی خداوند است؛ جوهری ملکوتی است که دانا ترین مردمان از درک حقیقتش عاجزند و دقیقترین عقل ها از آشکار نمودن اسرارش ناتوانند. در میان همه ی مخلوقات، روح، در بیان برتری خالق خود، اولین است و در شناخت عظمت او و تمسک به حقیقت او و سجده در برابر او، نخستین است. اگر به خداوند، وفادار باشد، نور او را منعکس خواهد کرد، و سرانجام به سوی او باز خواهد گشت. اما اگر در اطاعت از خالقش، شکست خورد، قربانی نفس و هوی خواهد شد و عاقبت، در عمق آن ها فرو خواهد رفت."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. جاهای خالی را پر کنید:

- روح.....خداوند است.
- .....جوهری ملکوتی است.
- .....در بیان برتری خالق خود، اولین است.

<sup>۱</sup> "اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید آنها آیه الهیه و جوهره ملکوتیه التي عَجَزَ كُلُّ ذِي عِلْمٍ عَنِ عِرْفَانِ حَقِيقَتِهَا وَ كُلُّ ذِي عِرْفَانٍ عَنِ مَعْرِفَتِهَا. اِنَّهَا اَوَّلُ شَيْءٍ حَكِيَ عَنِ اللَّهِ مَوْجِدَةٍ وَ اَقْبَلُ الْيَهْ وَ تَمَسَّكَ بِهٖ وَ سَجَدَ لَهٗ. در اینصورت به حق منسوب و به او راجع و من غیر آن به هوی منسوب و به او راجع."



- روح اگر.....به سوی خدا باز خواهد گشت.
- روح اگر.....قربانی نفس و هوی خواهد شد.
- روح اگر قربانی نفس و هوی شود، در.....فرو خواهد رفت.
- روح اگر به خداوند وفا دار باشد،.....خواهد کرد.

## ۲. درست یا غلط را علامت بزنید:

- « آشکار نمودن » به معنی فهمیدن است. درست غلط
- در بین تمام مخلوقات، عقل در شناخت خداوند، اولین است. درست غلط
- « دقیق » به معنی تند و تیز است. درست غلط
- یک فرد دانا اسرار روح را درک می کند. درست غلط
- لازم نیست درباره ی روح بیندیشیم، چون هرگز قادر به شناختن آن نخواهیم بود. درست غلط

## بخش نهم

حضرت بهاء الله می فرماید:

"شما مانند پرنده ای هستید که با اطمینان تمام و نشاط بسیار، با نیروی کامل بال های قدرتمندش، در وسعت بی پایان آسمان ها پرواز می کند تا این که به خیال رفع گرسنگی، مشتاقانه به سوی آب و گل زمین، رو می کند؛ اما در دام آرزوی خود گرفتار شده، درمی یابد که دیگر قادر نیست پروازش را به سوی آسمان هایی که از آن ها آمده، از سرگیرد. و چون نمی تواند بار سنگین شده بر بال های آلوده اش را بزداید؛ این پرنده، که پیشتر، ساکن آسمان ها بود، اکنون مجبور است برای خود، زیستگاهی بر خاک جستجو کند. حال ای بندگان من، بال های خود را با گل کینه و دشمنی و آرزوهای بیهوده آلوده مسازید و مگذارید که با خاک نفرت و حسادت آغشته گردد، تا از پرواز در آسمان های علم و عرفانم، باز نمانید."<sup>۱</sup>  
(ترجمه)

### ۱. قسمت های خالی را پر کنید:

- پرنده ای که حضرت بهاء الله در این بیان به آن اشاره می فرماید.....انسان است.
- این پرنده از قبل، ساکن.....بوده است.
- این پرنده اکنون مجبور است زیستگاهی بر.....جستجو کند.

<sup>۱</sup> "مثل شما مثل طیری است که به اجنحة منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد به گمان دانه به آب و گل ارض میل نماید و به حرص تمام خود را به آب و تراب بیالاید و بعد که اراده صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحة آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود. در این وقت آن طایر سماء عالییه خود را ساکن ارض فانیه بیند. حال ای عباد پرهای خود را به طین غفلت و ظنون و تراب غل و بغضا میلانید تا از طیران در آسمانهای قدس عرفان محروم و ممنوع نمانید."

۲. پرسش ها:

- چگونه ممکن است « بال های » روح، « آلوده » گردد؟  
.....
- تعدادی از بارهای سنگینی را که مثل « آب و گل زمین » است، نام ببرید.  
.....
- آن چه چیزی است که ما را از پرواز دوباره در آسمان علم و عرفان خداوند باز می دارد؟  
.....
- برای چیزهایی که از پرواز ما، در آسمان علم و عرفان خداوند جلوگیری می کنند، مثال هائی  
بزنید.....
- چرا یک روح انسانی، خانه ی آسمانیش را برای خاک این جهان، عوض می کند؟  
.....

## بخش دهم

حضرت بهاءالله می فرماید:

"بعد از آن که خداوند، جهان و همه ی آنچه را در آن زندگی و حرکت می کند، خلق فرمود؛ به واسطه ی عمل کرد مستقیم اراده ی مقتدر و مُختارش، این قابلیت و امتیاز یگانه را نصیب انسان نمود که او را بشناسد و دوست بدارد؛ قابلیت که باید آن را انگیزه ی ایجاد کننده، و مقصد اولیه ای دانست که زیربنای کل آفرینش است... او بر حقیقت هر یک از مخلوقات، نور یکی از اسم های خود را تاباند و آن مخلوق را دریافت کننده ی عظمت یکی از صفت های خود گرداند؛ اما بر حقیقت انسان، تابش تمامی اسم ها و صفت هایش را متمرکز نمود و او را آینه ی ذات خود قرار فرمود. از میان همه ی مخلوقات، تنها انسان است که به این فضل بی کران و گرم جاویدان اختصاص یافته است."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. به پرسش های زیر پاسخ دهید و جاهای خالی را پر کنید:

- خداوند چه امتیاز ویژه ای را نصیب انسان نمود؟  
.....
- بعضی از صفت های خداوند را نام ببرید:  
.....

---

<sup>۱</sup> "و بعد از خلق کل ممکنات و ایجاد موجودات به تجلی اسم یا مختار انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود... زیرا کینونت و حقیقت هر شیء را به اسمی از اسماء و به صفتی از صفات اشراق فرمود مگر انسان را که مظهر کل اسماء و صفات و مرآت کینونت خود قرار فرمود و به این فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود."

- خداوند بر حقیقت هر یک از مخلوقات، نور.....را تاباند و آن مخلوق را دریافت کننده ی .....گرداند.
- خداوند بر حقیقت انسان،..... را متمرکز نمود و او را آینه ی .....قرار فرمود.
- بعضی از صفت های خداوند را که در روح انسان منعکس است، نام ببرید.....
- این صفت ها چگونه می توانند ظاهر شوند؟.....
- انسان به چه فضل مخصوصی اختصاص یافته است؟.....

۲. بر اساس دو بیان قبل، درست و غلط را مشخص کنید:

- دل‌بستگی های دنیایی، ما را از ترقی روحانی باز می دارد. درست غلط
- هوس ها و آرزوهای ما، موانعی نیستند که پروازمان را به سوی ملکوت خداوند، باز دارند. درست غلط
- ما می توانیم با دل نبستن به چیزهای این دنیا، خود را از بار سنگینی که مانع صعودمان به سوی خداوند است، رها سازیم. درست غلط
- وطن روح، خاک است. درست غلط
- حسادت، نفرت و بد خواهی، باری سنگین بر ترقی روح نیستند. درست غلط
- هیچ چیز نمی تواند در مقابل اراده ی خداوند قرار گیرد. درست غلط
- انسان، با سایر موجودات برابر است. درست غلط
- شناخت خداوند، انگیزه ی ایجاد کننده، و مقصد اولیه ای است که زیربنای کل آفرینش است. درست غلط
- حقیقت هر کدام از مخلوقات، یکی از صفات خداوند را ظاهر می سازد. درست غلط

## بخش یازدهم

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"این قوا و نیروهایی که شمس عنایت الهی و منبع هدایت آسمانی، به حقیقت انسان بخشیده است، در نهاد او پوشیده و پنهان می باشد؛ درست همانگونه که بالقوه، شعله، در نهاد شمع، پوشیده است و پرتوهای نور، در حقیقت چراغ، پنهان است. درخشندگی این قوا و نیروها، ممکن است با آرزوهای دنیایی پوشیده شوند؛ همانطور که نور خورشید می تواند در زیر گرد و غباری که بر سطح آینه نشسته است، پنهان گردد. نه شمع و نه چراغ، هیچ کدام نمی توانند خود را روشن نمایند و برای آینه نیز ممکن نیست خود را از گرد و غبار آزاد سازد. واضح و روشن است که تا آتشی نیفرودد، هرگز شمع، روشن نشود و تا سطح آینه، پاک نگردد هرگز تصویر خورشید را نمایان نکند و نور و عظمت آن را منعکس نسازد."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. به پرسش های زیر پاسخ دهید:

- «در نهاد او پوشیده» است، یعنی چه؟.....
- چه استعداد هایی در روح انسان پوشیده و پنهان است؟.....
- چراغ، چه استعداد نهفته ای دارد؟.....
- آینه، چه استعداد نهفته ای دارد؟.....
- چراغ را باید چه کار کنید تا نورش بر افروزد؟.....
- آینه را باید چه کار کنید تا نور را منعکس سازد؟.....
- آیا چراغ و آینه می توانند خودشان، استعداد نهفته ی خود را ظاهر سازند؟.....
- چگونه می توانیم این دو مثال را به وضعیت روح انسان ربط دهیم؟.....
- چه کسی می تواند روح انسان را وادارد که استعداد های نهفته ی خود را نمایان سازد؟.....

## بخش دوازدهم

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"باب شناخت وجود قدیم (خداوند) همیشه به روی انسان ها بسته بوده و همواره نیز بسته خواهد ماند. درک هیچ انسانی هرگز نمی تواند به آستان مقدسش راه یابد. اما به عنوان نشانی از رحمت خود و دلیلی بر محبت خود، خورشید های هدایت الهی و نمادهای وحدت ربانی را برای مردمان ظاهر نموده و امر فرموده

<sup>۱</sup> "این تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوبست چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شنونات بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است. حال این شمع و سراج را افروزنده ای باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده ای شاید. واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفرودد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی آس در او منطبق نشود."

است که شناخت این وجودهای مقدس، برابر شناخت خودش باشد. هر کس آن‌ها را بشناسد، خداوند را شناخته است. هر کس به ندای آن‌ها گوش دهد، به صدای خداوند گوش داده است، و هر کس به حقانیت ظهورشان گواهی دهد، به حقانیت خود خداوند گواهی داده است. هر کس از آنان روی بگرداند، از خداوند روی گردانده است و هر کس به آن‌ها ایمان نیاورد، به خداوند ایمان نیاورده است. هر کدام از آن‌ها، راه خداوند است که این عالم را به جهان‌های بالا ارتباط می‌دهد و هر یک از آنان، معیار حقیقت خداوند است برای همه‌ی اهل زمین و آسمان. آن‌ها مظاهر الهی هستند در میان مردمان و نیز نشانه‌های حقانیت او و علامت‌های عظمت او.<sup>۱</sup> (ترجمه)

## ۱. پرسش‌ها:

- می‌دانیم که فقط خداوند می‌تواند روح انسان را وادارد تا استعداد‌های خود را ظاهر سازد؛ اما آیا برای انسان ممکن است که خداوند را مستقیماً بشناسد؟  
.....
- پس چگونه باید خداوند را بشناسیم؟  
.....
- بعضی از خورشید‌های هدایت الهی را نام ببرید.  
.....
- چه شناختی مساوی شناخت خداوند است؟  
.....
- کسانی که به سخن مظاهر الهی گوش می‌دهند، در واقع به سخن چه کسی گوش داده‌اند؟  
.....
- وقتی به ندای مظاهر الهی توجهی نمی‌کنیم، در واقع از چه کسی روی گردانده‌ایم؟  
.....

## ۲. عبارت‌های زیر را تکمیل کنید:

- باب شناخت وجود قدیم همیشه به روی انسان‌ها..... و همواره نیز.....
- درک هیچ انسانی هرگز.....
- خداوند، مظاهر خود را به عنوان نشانی از..... ظاهر نمود.
- شناخت مظاهر الهی برابر است با.....
- هر کس آن‌ها را بشناسد،..... است.
- هر کس به ندای آن‌ها گوش دهد،..... است.
- هر کدام از آن‌ها راه خداوند است که..... می‌دهد.

<sup>۱</sup> "سَبِيلُ كُلِّ بَشَرٍ إِلَىٰ رَبِّهِ مَسْدُودٌ بَدِيءٌ وَطَرِيقُ كُلِّ مَقْطُوعٍ خَوَادِقٌ وَبَدِيءٌ شَمْسٌ مُشْرِقَةٌ مِنْ أَفْقِ الْأَرْضِ بَيْنَ نَاسٍ ظَاهِرٌ فَرْمُودَةٌ وَعَرَفَانُ ابْنِ الْإِنْفَسِ مَقْدَسَةٌ رَأَىٰ عَرَفَانَ خَوْفًا فَرْمُودَةً مَنِ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنِ سَمِعَ كَلِمَاتِهِمْ فَقَدْ سَمِعَ كَلِمَاتِ اللَّهِ وَمَنِ أَقْرَبَهُمْ فَقَدْ أَقْرَبَ بِاللَّهِ وَمَنِ أَعْرَضَ عَنْهُمْ فَقَدْ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهِ وَمَنِ كَفَرَ بِهِمْ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَهُم صِرَاطُ اللَّهِ بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمِيزَانُ اللَّهِ فِي مَلَكُوتِ الْأَمْرِ وَالْخَلْقِ وَهُم ظُهُورُ اللَّهِ وَحُجَجَةٌ بَيْنَ عِبَادِهِ وَدَلَالَةٌ بَيْنَ بَرِيَّتِهِ"

## بخش سیزدهم

حضرت بهاءالله می فرماید:

"انسان بزرگترین طلسم است؛ اما فقدان تربیت صحیح، او را از آنچه در نهاد خود دارا است، محروم نموده. انسان با یک کلمه که از دهان خداوند صادر گشت، به هستی فراخوانده شد و با کلمه ای دیگر، به سوی شناخت مصدر تربیت خود، هدایت گشت؛ و باز هم با کلمه ای دیگر، مقام و سرنوشتش محافظت شد. وجود عظیم می فرماید: انسان را چون معدنی در نظر بگیرید که پر از جواهرات گران قیمت است. تنها، تربیت است که می تواند باعث شود او گنج های وجودش را ظاهر نماید و نیز عالم انسانی را قادر سازد تا از آن بهره مند شود. اگر هر انسانی در محتوای کتاب هایی که از آسمان اراده ی مقدس خداوند نازل گشته، بیندیشد؛ به آسانی می فهمد که هدف و مقصد آن ها این است که همه ی انسان ها، همچون یک نفس، مشاهده شوند؛ به طوری که مهر کلمات «پادشاهی از آن خداوند است» بر هر قلبی زده شود و نور بخشش و رحمت خداوند همه ی بشریت را احاطه نماید."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. پرسش ها:

- «طلسم» یعنی چه؟.....
- نبودن تربیت چه تاثیرهایی بر انسان داشته است؟.....
- یک تربیت صحیح، باعث چه چیزی می شود؟.....
- مصدر تربیت انسان چیست؟.....
- سرنوشت بشر چیست؟.....
- بعضی از جواهری را که تربیت، در انسان ظاهر می نماید، نام ببرید؟.....
- هدف و مقصد ظهور خداوند چیست؟.....
- چه کلماتی بر قلب های انسان ها مهر خواهد شد؟.....

۲. درست یا غلط را مشخص کنید:

- انسان با تلاش های خود، وجودی روحانی خواهد شد. درست غلط

<sup>۱</sup> "انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده به يك کلمه خلق فرمود و بکلمه اخري به مقام تعليم هدایت نمود و بکلمه ديگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود میفرماید: انسان را بمثابة معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما، به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد. اگر نفسی در کتب منزله از سماء احدیه به دیده بصیرت مشاهده نماید و تفکر کند ادراک مینماید که مقصود آنست جمیع نفوس نفس واحده مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم الملک لله منطبع شود و شمس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید."

- خداوند به انسان عقل داد و همین برای ترقیش کافی است. درست غلط
- انسان با شناخت مظهر الهی، از لحاظ روحانی، ترقی خواهد کرد و نیازی نیست تلاش بیشتری به خرج دهد. درست غلط
- انسان، فقط می تواند با شناخت مظهر خداوند و سپس تلاش برای زندگی بر طبق تعالیم او، از لحاظ روحانی، ترقی نماید. درست غلط
- انسان می تواند مستقیماً خداوند را بشناسد. درست غلط
- انسان می تواند مانند خداوند بشود. درست غلط
- خداوند، ورای ادراک انسان ها است. درست غلط
- وقتی به کلمات یکی از مظاهر الهی گوش می دهیم، در واقع به صدای خداوند گوش داده ایم. درست غلط
- انسان، فقط به واسطه ی مظاهر الهی است که می تواند صفت های خداوند را منعکس سازد. درست غلط

## بخش چهاردهم

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"مبارک است روحی که در وقت جدا شدن از بدن، از تصورات باطل مردمان جهان، پاک و مقدس باشد. چنین روحی، طبق اراده ی آفریدگار خود زندگی و حرکت خواهد کرد و به فردوس برین، وارد خواهد شد. فرشتگان آسمانی که ساکن بالاترین قصرها هستند، به گردش حلقه خواهند زد و پیامبران خداوند و برگزیدگان او، به دیدارش خواهند شتافت. چنین روحی، با آنها آزادانه گفتگو خواهد کرد و آنچه را که در راه خداوند، پروردگار همه ی جهان ها، تحمل نموده است؛ برایشان باز گو خواهد کرد."

"اما ارواح بی ایمانان، گواهی می دهم که در وقت برآوردن آخرین نفس ها، به چیزهای خوبی که از دست داده اند، آگاه خواهند شد و بر حال خود، افسوس خواهند خورد و در برابر خداوند، شرمسار خواهند بود و پس از جدایی روح از بدن هایشان نیز، به همین منوال ادامه خواهند داد."

"او (انسان) باید فرد گناه کار را ببخشد و هرگز او را خوار و ذلیل نکند؛ زیرا هیچ کس نمی داند پایان زندگی چگونه خواهد بود. چه بسا گناه کاری که در ساعت مرگ، به جوهر ایمان فائز شده و با نوشیدن شراب جاودانی، به سوی ملاء اعلی پرواز نموده است. و چه بسا مؤمن پرهیزکاری که در ساعت صعود روحش، آن چنان دگرگون گشته که به اعماق آتش دوزخ، فرو افتاده است."<sup>۱</sup> (ترجمه)

<sup>۱</sup> "طوبی لروح خَرَجَ مِنَ الْبَدَنِ مُقَدَّساً عَنِ شُبُهَاتِ الْأُمَمِ إِنَّهُ يَتَحَرَّكَ فِي هَوَاءِ إِرَادَةِ رَبِّهِ وَ يَدْخُلُ فِي الْجَنَّةِ الْعُلْيَا وَ تَطَوَّفُهُ طَلْعَاتُ الْفَرْدُوسِ الْأَعْلَى وَ يُعَاشِرُ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْلِيَائَهُ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَهُمْ وَ يَقْضُ عَلَيْهِمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ."

"و اما ارواح الْكُفَّارِ لَعْمَرَى حِينَ الْإِحْتِضَارِ يَعْرِفُونَ مَا فَاتَ عَنْهُمْ وَ يَتَوَحَّوْنَ وَ يَتَضَرَّعُونَ وَ كَذَلِكَ بَعْدَ خُرُوجِ أَرْوَاحِهِمْ مِنْ أَبْدَانِهِمْ."

"و بر عاصیان قلم عفو درکشد و به حقارت ننگرد زیرا حُسن خاتمه مجهول است. ای بسا عاصی که در حین موت به جوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و به ملاء اعلی شتابد. و بسا مطیع و مؤمن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و به اسفل درکات نیران مقر یابد."

۱. پرسش ها:

• وضعیت روحمان، وقتی از بدن جدا می شود، چگونه باید باشد؟.....

• بعضی از تصورات باطل را نام ببرید.....

.....

• ارواحی که از تصورات باطل پاك و مقدّس هستند، به كجا خواهند رفت؟.....

.....

• چنین ارواحی، با چه مخلوقاتى مواجه خواهند شد؟.....

• آیا چنین ارواحی می توانند با پیامبران خداوند صحبت کنند؟.....

• آیا این جایگاه، عظیم به نظر می رسد؟ آیا مایل هستید به آن دست یابید؟.....

.....

• بی ایمانان، چه کسانی هستند؟.....

• ارواح بی ایمانان، در وقت برآوردن آخرین نفس ها، متوجه چه چیزی خواهند شد؟.....

.....

• وقتی آن ها متوجه وضعیت خود شوند، چه خواهند کرد؟.....

• آیا از قبل، می دانیم زندگیمان چه وقت و چگونه، پایان خواهد یافت؟.....

• هم اکنون، چکاری می توانیم انجام دهیم تا زندگی جاویدانمان را تضمین نماییم؟.....

.....

• چه خصائصی روحانی، برای رسیدن به زندگی جاودانی، لازم است؟.....

.....

## بخش پانزدهم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"اسراری را که انسان در این عالم خاکی از آن ها غافل است، در عالم آسمانی کشف خواهد کرد. در آنجا، او از راز حقیقت آگاه خواهد شد و بسیاری از افرادی را که با آن ها معاشر بوده، شناسایی و درك خواهد کرد. بدون تردید، ارواح مقدسه ای که چشمی پاک و بینا داشته اند، در ملکوت انوار، از همه ی اسرار آگاه خواهند شد و از فیض مشاهده ی حقیقت ارواح عظیمه، برخوردار خواهند گشت. آن ها در آن جهان،



حتی می توانند، به وضوح و روشنی، جمال و زیبایی خداوند را تماشا کنند. آنها همچنین همه ی دوستان خداوند را، چه از زمان های گذشته و چه از دوران کنونی، در آن محفل ملکوتی، حاضر خواهند یافت."

"بعد از جدایی انسان ها از این عالم فانی، به طور طبیعی، تمایزها و تفاوت های بین آن ها، معلوم خواهد شد. اما این (تمایز)، نه براساس جا و مکان؛ بلکه براساس روح و وجدان خواهد بود؛ زیرا ملکوت خداوند از زمان و مکان، مقدس (یا آزاد) است. آنجا جهانی دیگر و کیهانی دیگر است. اما به ارواح مقدس، موهبت شفاعت وعده داده شده است. با اطمینان بدان که در جهان های خداوند، حبیبان روحانی (مومنان)، یکدیگر را خواهند شناخت و وحدت با همدیگر را خواهند خواست؛ اما وحدتی که صرفاً روحانی است. همچنین، محبتی که احتمالاً فردی نسبت به فرد دیگر داشته است، در عالم ملکوت، فراموش نخواهد شد و نیز در (آنجا) شما زندگی خود در عالم عنصری را از یاد نخواهید برد." (ترجمه)

۱. پرسش ها:

- انسان در عالم آسمانی، چه اسراری را کشف خواهد کرد؟.....
- .....
- آیا ما در آنجا، آشنایان خود در این عالم را، خواهیم شناخت؟.....
- کدام ارواح، از همه ی اسرار، آگاه خواهند شد؟.....
- آیا در بین ارواح، تمایز و تفاوتی هم موجود خواهد بود؟.....
- ملکوت خداوند از چه چیزی آزاد است؟.....
- از رابطه ی محبتی که دو نفر را در این عالم متحد می کند، چه چیزی باقی خواهد ماند؟.....

۲. درست و غلط را مشخص کنید:

- ارواح، در عالم آسمانی یکدیگر را نخواهند شناخت. درست غلط
- ارواح مقدس، طالب فیض حضور هر روح عظیمی، خواهند بود. درست غلط
- ملاء اعلی، شامل ارواح مقدس، از زمان های گذشته هم می باشد. درست غلط
- بعد از آن که ارواح، این عالم را ترک کردند، تمایزها و تفاوت ها ظاهر نخواهد شد. درست غلط
- در جهان خداوند، زمان و مکان وجود ندارد. درست غلط
- جهان دیگر، به کیهانی دیگر، تعلق دارد. درست غلط
- در عالم دیگر، انسان، محبتی را که نسبت به دیگران داشته است، فراموش خواهد کرد. درست غلط

## بخش شانزدهم

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"شما همچنین در باره ی حالت و وضعیت روح بعد از جدانش از بدن سوال نموده اید. به راستی بدان که اگر روح انسان، در راه خداوند حرکت کرده باشد، مطمئناً باز خواهد گشت و با جلال محبوب، مأوس خواهد شد. قسم به حقانیت خداوند، به مقامی خواهد رسید که هیچ قلمی توان توصیفش را و هیچ زبانی قدرت بیانش را ندارد. روحی که به امر خداوند وفا دار بوده، در راهش مستقیم و استوار مانده باشد، بعد از صعود، از چنان قدرتی برخوردار خواهد بود که همه ی جهان هایی که خداوند توانا خلق کرده، می توانند از آن کسب فیض کنند."<sup>۱</sup> (ترجمه)

۱. جمله های زیر را تکمیل کنید:

- اگر روح انسان در راه خداوند حرکت کرده باشد، مطمئناً..... خواهد شد.
- به مقامی خواهد رسید که..... ندارد.
- ..... که..... بوده، در..... مانده باشد،..... از چنان..... که همه ی جهان هایی که..... می توانند از آن..... کنند.

## بخش هفدهم

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"ای بندگان من، اگر در ایام زندگانی و در این عرصه ی خاکی، خداوند، چیزهایی بر خلاف آرزوها و خواسته های شما، مقدر کرده و ظاهر نموده، غمگین و دلتنگ نشوید؛ زیرا به یقین، روزهایی سرشار از نشاط روحانی و سرور آسمانی، برایتان مقدر گشته است؛ جهان هایی پاک و پر شکوه و روحانی در برابر چشمانتان پدیدار خواهد شد. خداوند چنان مقدر فرموده است که شما در این زندگی و نیز در زندگی آینده، از مزایای این جهان ها، بهره برید و در سرور و نشاط آن ها شریک شوید و سهم خود را از فیض جاویدانشان، به دست آورید. بی تردید به هر یک و همه ی این ها، فائز خواهید شد."<sup>۲</sup> (ترجمه)

<sup>۱</sup> "و اینکه سوال نمودید روح بعد از خراب بدن به کجا راجع میشود، اگر به حق منسوب است به رفیق اعلی راجع، لَعَمْرُ الله به مقامی راجع میشود که جمیع السُن و اَقلام از ذکرش عاجز است. هر نفسی که در امر الله ثابت و راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض مینمایند."

<sup>۲</sup> "ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجملة امور بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالم های قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی مُعین و رزقی مُقرّر است البته به جمیع آنها رسیده فائز گردید."

۱. درست و غلط را مشخص کنید:

- وقتی امور بر وفق مرادمان نیست، باید دلتنگ شویم. درست غلط
- همه چیز را، چه خوب و چه بد، خداوند مقدر می فرماید. درست غلط
- ایام خوشی و شادمانی برای ما تضمین شده است. درست غلط
- جهان های دیگر خداوند، پاک و پر شکوه و روحانیند. درست غلط
- تقدیر ما است، که هم در این زندگی و هم در زندگی آینده، از مزایای این جهان ها، بهره بریم. درست غلط

۲. جمله های زیر را کامل کنید:

- اگر چیزهایی بر خلاف آرزوها و خواسته هایمان رخ می دهد، نباید.....شویم.
- روزهایی سرشار از.....و.....برایمان مقدر گشته است.
- جهان هایی .....و.....خواهیم دید.
- خداوند ما را از فیض جاویدان این جهان ها، در..... و نیز در..... مطمئن می سازد.
- در.....و.....این جهان ها، شریک خواهیم شد و از..... آن ها بهره خواهیم برد و.....به دست خواهیم آورد.

۳. پرسش ها:

- چرا وقتی چیزهایی برخلاف آرزوها و خواسته هایمان رخ می دهد، نباید غمگین و دلتنگ شویم؟  
.....
- وعده ای که حضرت بهاء الله در این فقره به ما می دهند، چیست؟  
.....

## بخش هجدهم

در این دوره، شما به مطالعه و تفکر در باره ی معنای حقیقی زندگی انسان، مشغول شدید. با استفاده از فقرات متنوعی از بیانات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء، مطالب زیادی راجع به طبیعت روح، هدف زندگی، و نیاز به کسب صفات و کمالات روحانی در این عالم فانی، فرا گرفتید. به همین طریق، نکاتی در باره ی وعده ی زندگی ابدی- که سرشار از نشاط و شادمانی است برای کسانی که مظهر خداوند را شناخته اند و در محبتش پایدار مانده اند- آموختید. در خاتمه ی این دوره، شایسته است درباره ی تاثیراتی که این ادراک جدید، در زندگی شما خواهد داشت، بیندیشید. اکنون که می دانید زندگی زمینیتان، بخش کوچکی از یک زندگی جاودانی است - که باید مصمم و پایدار، خود را برای آن آماده نمایید- چگونه آن را ادامه خواهید داد؟

برای کمک به شما در باره ی تصمیماتی که باید در زندگی خود اتخاذ نمایید، چند موضوع، که هر یک از آن ها می تواند ساعت ها و ساعت ها، تفکر را به خود اختصاص دهد، در این جا ذکر می شود. ممکن است مایل باشید چند پاراگراف، راجع به هر کدام از آن ها بنویسید و یا آن ها را در یک گروه کوچک از دوستانتان، به بحث و گفتگو بگذارید.

*اکنون که فهمیدیم زندگی اینجا بر روی زمین آغاز می شود اما تا ابد مرا به سوی خداوند هدایت خواهد نمود؛ زمینه های زیر از زندگی، چقدر برای من مهم می باشد؟*

۱. اطاعت از احکام حضرت بهاء الله

۲. مشارکت در رفاه و آسایش بشریت

۳. خدمت به امر الهی و عالم انسانی

۴. پایداریم در عهد و میثاق الهی